



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# بازخوانی قیام عاشورا

از مجموعه کتاب‌های "تبی از تب"

پایروسی سخنان سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبدالمحسن علیه السلام



حسن مطرز الله تبریزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازخوانی قیام عاشورا با بررسی سخنان سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

نویسنده:

حسن صفر زاده تهرانی

ناشر چاپی:

فرهنگستان اندیشه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	بازخوانی قیام عاشورا با بررسی سخنان سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	تقدیم به:
۱۵	فهرست مطالب
۲۰	پیش گفتار
۲۲	مقدمه
۲۵	بخش اول
۲۵	اولین اقدام حضرت امام حسین در جواب والی مدینه
۲۸	بازخوانی سخنان امام حسین در جواب والی مدینه
۳۴	بخش دوم
۳۴	پاسخ امام حسین به پیشنهاد خفت بار مروان
۳۵	بازخوانی پاسخ امام حسین به پیشنهاد مروان بن حکم
۳۹	بخش سوم
۳۹	سخنان امام حسین علیه السلام در کنار قبر پیامبر
۴۰	بازخوانی دو سخن امام حسین علیه السلام
۴۵	بخش چهارم
۴۵	پاسخ امام حسین علیه السلام به عمر اطرف
۴۶	بازخوانی پاسخ امام حسین علیه السلام به عمر اطرف
۵۰	بخش پنجم
۵۰	پاسخ امام حسین علیه السلام به أم سلمه
۵۱	بازخوانی پاسخ امام حسین علیه السلام به ام سلمه
۵۴	بخش ششم

۵۴	پاسخ امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به محمد حنفیه
۵۶	بازخوانی پاسخ امام حسین به محمد حنفیه
۵۹	بخش هفتم
۵۹	وصیت نامه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۶۱	بازخوانی وصیت نامه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۶۵	بخش هشتم
۶۵	انتخاب مسیر حرکت امام حسین به سمت مکه
۶۶	بازخوانی تعیین مسیر حرکت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۶۸	بخش نهم
۶۸	تلاوت قرآن کریم هنگام خروج از مدینه و ورود به مکه
۶۹	بازخوانی تلاوت این دو آیه شریفه
۷۱	بخش دهم
۷۱	سخن امام حسین در پاسخ عبدالله بن عمر
۷۳	بازخوانی جواب امام حسین به عبدالله بن عمر
۷۷	بخش یازدهم
۷۷	نامه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به بنی هاشم
۷۸	بازخوانی نامه امام حسین به بنی هاشم
۸۱	بخش دوازدهم
۸۱	خطبه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در مکه
۸۳	بازخوانی خطبه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۸۵	بخش سیزدهم
۸۵	پاسخ امام حسین به پیشنهاد عبدالله بن زبیر
۸۷	بازخوانی پاسخ امام حسین عبدالله بن زبیر
۸۹	بخش چهاردهم
۸۹	دعوت عبیدالله بن حرّ جعفی توسط امام حسین
۹۲	بازخوانی دعوت عبیدالله بن حرّ توسط امام حسین

۹۴	بخش پانزدهم
۹۴	پذیرایی از لشکر حر توسط امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۹۵	بازخوانی اقدام امام حسین در پذیرایی از لشکر حر
۹۸	بخش شانزدهم
۹۸	حرکت هوشمنانه ی امام حسین در عصر تاسوعا
۱۰۰	رمز گشائی حرکت هوشمندانه ی امام حسین
۱۱۱	بخش هفدهم
۱۱۱	سفارش امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به زینب کبری
۱۱۱	بازخوانی سفارش امام حسین به زینب کبری
۱۱۷	بخش هجدهم
۱۱۷	منشور جهانی آزادگی امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام
۱۱۸	بازخوانی منشور جهانی آزادگی امام حسین
۱۲۲	منابع
۱۲۵	درباره مرکز

## بازخوانی قیام عاشورا با بررسی سخنان سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: صفرزاده تهرانی، حسن، 1341-

عنوان و نام پدیدآور: بازخوانی قیام عاشورا با بررسی سخنان سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام/ نویسنده حسن صفرزاده تهرانی؛ تدوین و ویراستاری اکرم ویسی؛ به اهتمام موسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن.

مشخصات نشر: اصفهان: فرهنگستان اندیشه، 1401.

مشخصات ظاهری: 133ص.

فروست: ... مجموعه کتاب های نمی ازیم.

شابک: 500000 ریال: 4-53-6620-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: این اثر با حمایت دفتر مطالعات و پژوهش های بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به چاپ رسیده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. 132 - 133؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حسین بن علی (علیه السلام)، امام سوم، 4 - 61ق.

موضوع: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625-680

موضوع: عاشورا-- فلسفه Tenth of Muharram-- واقعه کربلا، 61ق. Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680

شناسه افزوده: ویسی، اکرم، 1366-

شناسه افزوده: موسسه قرآن و عترت صبح روشن

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه و الشریف). دفتر مطالعات و پژوهش های فرهنگی اجتماعی

رده بندی کنگره: BP41/5

رده بندی دیویی: 297/9534

شماره کتابشناسی ملی: 8991023



اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ویراستار دیجیتالی: محمد منصوری

ص: 1

**اشاره**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

عكس

□

ص: 3



## تقدیم به:

دلدادگان و عاشقان سید و سالار شهیدان

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام

خاصه پدر و مادرم

که عشق و دلدادگی به آن بزرگوار را به من آموختند.

ص: 5

سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک سیاست مدار کارگشته، در پاسخ به والی مدینه، اشکال شکلی اقدام وی را بهانه کرد و ضمن تن ندادن به خواست والی مدینه، وی را به تمکین پیشنهاد خود واداشت و در برابر قصد خبیث مروان، از موضع قوی و با صلابت برخورد نمود.

سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با بیان موقعیت و جایگاه رفیع خود و خاندان عصمت و طهارت؛ شایستگی خود برای امامت و رهبری جامعه را ترسیم نمود و فرمود: **إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبُطُ الرَّحْمَةِ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ** **وَبِنَا يَخْتِمُ؛** ما خاندان نبوت و معدن رسالتیم، خاندان ما محل آمد و شد فرشتگان و محل نزول رحمت خداست، خداوند هستی را از ما آغاز کرد و با ما به سرانجام می رساند.

سید و سالار شهیدان، حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با بیان وضعیت شرر بار یزید فاسق و خیانت و پستی وی، دلایل عدم صلاحیت وی در جایگاه رهبری جامعه، و دلیل نپذیرفتن بیعت با یزید ملعون را تبیین نمود و فرمود: **وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ وَمِثْلِي لَا يَبِيعُ مِثْلَهُ<sup>(1)</sup>**؛ اما یزید، مرد شراب خواری است که دستش به خون افراد بی گناه آلوده شده است، او کسی است که حریم دستورات الهی را درهم شکسته و علناً و در مقابل چشم مردم، مرتکب فسق و فجور گشته است. آیا رواست شخصیتی هم چون من با چنین مرد فاسد بیعت کند!

ص: 6

- پیش گفتار..... 10
- مقدمه..... 12
- بخش اول..... 15
- اولین اقدام حضرت امام حسین در جواب والی مدینه..... 15
- بازخوانی سخنان امام حسین در جواب والی مدینه..... 18
- بخش دوم..... 24
- پاسخ امام حسین به پیشنهاد خفت بار مروان..... 24
- بازخوانی پاسخ امام حسین به پیشنهاد مروان بن حکم..... 25
- بخش سوم..... 29
- سخنان امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در کنار قبر پیامبر..... 29
- بازخوانی دو سخن امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام..... 30
- بخش چهارم..... 35
- پاسخ امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به عمر اَظرف..... 35
- بازخوانی پاسخ امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به عمر اَظرف..... 36
- بخش پنجم..... 40
- پاسخ امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به اُم سلمه..... 40
- بازخوانی پاسخ امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به ام سلمه..... 41
- بخش ششم..... 44
- پاسخ امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به محمد حنفیه..... 44
- بازخوانی پاسخ امام حسین به محمد حنفیه..... 46





بخش هفتم..... 49

وصیت نامه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام..... 49

بازخوانی وصیت نامه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام..... 51

بخش هشتم..... 55

انتخاب مسیر حرکت امام حسین به سمت مکه..... 55

بازخوانی تعیین مسیر حرکت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام..... 56

بخش نهم..... 58

تلاوت قرآن کریم هنگام خروج از مدینه و ورود به مکه..... 58

بازخوانی تلاوت این دو آیه شریفه..... 59

بخش دهم..... 61

سخن امام حسین در پاسخ عبداللّه بن عمر..... 61

بازخوانی جواب امام حسین به عبداللّه بن عمر..... 63

بخش یازدهم..... 67

نامه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام به بنی‌هاشم..... 67

بازخوانی نامه امام حسین به بنی‌هاشم..... 68

بخش دوازدهم..... 71

خطبه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام در مکه..... 71

بازخوانی خطبه امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام..... 73

بخش سیزدهم..... 75

پاسخ امام حسین به پیشنهاد عبداللّه بن زبیر..... 75

بازخوانی پاسخ امام حسین عبداللّه بن زبیر..... 77

بخش چهاردهم..... 79

دعوت عبيدالله بن حرّ جعفي توسط امام حسين..... 79

ص: 1

بازخوانی دعوت عبیدالله بن حرّ توسط امام حسین..... 82

بخش پانزدهم..... 84

پذیرایی از لشکر حر توسط امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام..... 84

بازخوانی اقدام امام حسین در پذیرایی از لشکر حر..... 85

بخش شانزدهم..... 88

حرکت هوشمنانه ی امام حسین در عصر تاسوعا 88

رمز گشائی حرکت هوشمندانه ی امام حسین..... 90

بخش هفدهم..... 101

سفارش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به زینب کبری..... 101

بازخوانی سفارش امام حسین به زینب کبری..... 101

بخش هجدهم..... 107

منشور جهانی آزادگی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام..... 107

بازخوانی منشور جهانی آزادگی امام حسین..... 108

منابع..... 112

ص: 7

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَام از ابتدای حرکت تا شهادت، فرمایشات فراوان و تدابیر ارزشمندی در هدایت و رهبری نهضت و قیام داشته است. و اگر بخواهیم به درستی به فلسفه و اسرار آن پی ببریم، به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، قیام سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَام، باید به صورت میلی متری مورد مطالعه، مذاقه و کنکاش قرار گیرد و تمام سکنات و حرکات، تمام فعالیت ها و تلاش ها و تمام زندگی و سیره و سجایای اخلاقی آن بزرگوار در طول نهضت و قیام را به صورت دقیق مورد مطالعه قرار دهیم.

کتاب "بازخوانی قیام عاشورا" از مجموعه کتاب های "نمی ازیم" در دو جلد به بررسی سخنان سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَام و تحلیل فرمایشات آن بزرگوار از مدینه تا کربلا را، به این هدف والا و ارشمند پرداخته است.

و هم اکنون جلد اول با 18 بخش به همت دانشمند ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حسن صفرزاده تهرانی به رشته تحریر درآمده و به اهتمام مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن منتشر شده است و به علاقمندان و دلدادگان و شیفتگان سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام تقدیم می گردد.

کتاب "بازخوانی قیام عاشورا" بر مبنای کتاب "سخنان حسین بن علی عَلَیْهِمَا السَّلَام از مدینه تا کربلا" به نویسندگی آیت الله محمد صادق نجمی، تدوین شده است.

والسلام

مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن

تیرماه 1401 مصادف با ذی حجه 1443

ص: 11

نقش بی بدیل قیام حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در حفظ اسلام و مسلمین برای هیچ کس پوشیده نیست، همان گونه نقش بی بدیل قیام عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی قابل انکار نیست.

اگر اسلام تا کنون مانده و در آینده نیز محکم و استوار خواهد ماند، به گونه ای که زمینه ساز ظهور منجی و مصلح بشریت گردد و اگر انقلاب اسلامی در میان آن همه انحرافات و دشمنی ها به پیروزی رسید و بیش از چهار دهه محکم و استوار پیش می رود؛ همه به برکت پیوند انقلاب اسلامی با قیام عاشورا است.

احیاگر اسلام ناب محمدی حضرت امام خمینی رحمت الله علیه با هنرمندی تمام، انقلاب اسلامی را به عاشورای حسینی گره زد و رمز و راز پیروزی انقلاب اسلامی را در این پیوند دید و فرمود: اگر قیام حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام نبود، نمی توانستیم پیروز شویم. (1)

ص: 12

رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی با الهام از قیام عاشورا انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و آن را پرتویی از نهضت حسینی دانست و فرمود: انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است (1).

از این رو بر همه دانشمندان و اندیشمندان اسلامی لازم است تمام سکناات و حرکات، تمام فعالیت ها و تلاش ها و تمام زندگی و سیره و سجایای اخلاقی آن بزرگوار در طول زندگی و خاصه در طول نهضت و قیام، به صورت دقیق مورد مطالعه قرار دهند و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی به صورت میلی متری مورد مطالعه، مذاقه و کنکاش قرار گیرد.

باید با بررسی سخنان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و تحلیل فرمایشات آن بزرگوار، قیام و نهضت عاشورا بازخوانی شود تا نقش بی بدیل آن در حفظ اسلام و مسلمین و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن، به خوبی روشن گردد و ضرورت زنده نگه داشتن یاد و خاطره سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام که مصداق تعظیم شعائر الهی است به درستی تبیین گردد.

آن چه انتظار است به یقین از عهده همچو نویسنده ای که بضاعتش مُرَجَات است و دستش از گنجینه معارف الهی کوتاه است؛ برنخواهد آمد. چرا که عقول، در وصف آن حیران و ملائکه در درک آن، سرگردان، و خاکیان تهی از معرفت، نالان. اما به امید آن که نام نویسنده جزء محبان و متمسکین به آن بزرگوار قرار گیرد و به سبک و

ص: 13

سیاق پیرزن خریداران یوسف، برگ سبزی را تحفه کرده باشد؛ از تجربه چندین ساله تبلیغ، بهره برده و مطالبی را به رشته تحریر درآورده ام. امید که مقبول علاقمندان ساحت مقدس سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام قرار گیرد و زاد و دوشه آخرت گردد و کوتاهی‌ها و لغزش‌ها را جبران نماید و مرضی حضرت حق قرار گیرد. آمین یا رب العالمین.

پیرزن گفتا که دانستم یقین \*\*\* کین پسر را کس، نفروشد بدین

لیک اینم بس که چه دشمن چه دوست \*\*\* گوید این زن از خریداران اوست

هر دلی کو همت عالی نیافت \*\*\* ملکت بی منتها خالی نیافت

حسن صفرزاده تهرانی

خرداد 1401 مصادف با ذی قعدة 1443

ص: 14



**اولین اقدام حضرت امام حسین در جواب والی مدینه**

با مرگ معاویه در نیمه ی ماه رجب سال 60 هجری، یزید پسر معاویه به خلافت رسید و بلافاصله طی نامه هایی که به استانداران و فرمانداران در نقاط مختلف نوشت، مرگ معاویه و جانشینی خویش را که از دوران پدرش پیش بینی و از مردم برای او بیعت گرفته شده بود؛ به اطلاع آنان رسانید و ضمن ابقای هر یک از آنان در پست خویش، دستور بیعت مجدد از مردم را به آنها صادر نمود و اما برای استاندار مدینه ولید بن عتبه اضافه بر نامه ی عمومی، در یک نامه ی اختصاصی، بیعت گرفتن از سه شخصیت معروف که در دوران معاویه حاضر به بیعت با یزید نشده بودند؛ تأکید نمود و نوشت: **خُذِ الْحُسَيْنَ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ زُبَيْرٍ أَخْذًا شَدِيدًا لَيْسَتْ فِيهِ رُخْصَةٌ حَتَّى يَبَايَعُوا وَالسَّلَامُ (1)؛**

در بیعت گرفتن از حُسَيْنُ و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر شدت عمل بکار بگیر و هیچ فرصتی به آنان مده.

ولید بن عتبه با رسیدن نامه در اول شب، مروان بن حکم استاندار سابق معاویه را خواست و با وی درباره ی نامه و فرمان یزید مشاوره نمود و او پیشنهاد کرد که هرچه زودتر این چند نفر را به مجلس خود

ص: 15

دعوت کن و تا خبر مرگ معاویه در شهر منتشر نشده است از آنان برای یزید بیعت بگیر. ولید بی درنگ مأمور ویژه ی خود را به سراغ آنان فرستاد تا برای امر مهمی به حضور برسند. پیک ولید، هنگامی پیغام را به حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام رساند که عبدالله بن زبیر در مسجد النبوی با حضرت به گفتگو مشغول بود. حضرت بعد از شنیدن پیام، با دستور "برو من می آیم" مأمور را مرخص کرد.

عبدالله بن زبیر از این دعوت بی موقع و شبانه به هراس افتاد و امام موضوع را به او توضیح داد و فرمود: **أَطْنُ أَنْ طَاغَيْتَهُمْ قَدْ هَلَكَ (1)**؛

فکر می کنم، طاغوت بنی امیه معاویه بن ابی سفیان به هلاکت رسیده و منظور از این دعوت، بیعت گرفتن برای پسر اوست. و بنابر نقل کتاب مثير الاحزان، امام علیه السلام در تأیید نظریه ی خویش اضافه نمود: زیرا من در خواب دیدم که شعله های آتش از خانه ی معاویه بلند شده و منبرش سرنگون گردیده است (2).

آنگاه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام به سی تن از یاران و نزدیکان خاندانش دستور داد که خود را مسلح کرده و به همراه آن حضرت حرکت نمایند و در بیرون مجلس آماده باشند که در صورت لزوم، به دفاع به پردازند و خود وارد دارالخلافه گردید.

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام هنگام ورود، به والی مدینه سلام کرد و چون مروان بن حکم که پیش از این، بین وی و ولید کینه و نفرت حاکم بود و در مجلس حضور داشت؛ فرمود: **الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ الْقَطِيعَةِ، أَصْلَحَ اللَّهُ ذَاتَ بَيْنِكُمَا؛** صله رحم بهتر از قطع رحم است، خدا بین شما را اصلاح کند. در این هنگام همان گونه که حضرت پیش بینی فرموده بود، ولید ضمن اعلام مرگ معاویه، موضوع بیعت یزید را مطرح نمود.

ص: 16

---

1- - همان/ص 4

2- - مثير الاحزان، الأمير، ج 1، ص 24

حضرت ابا عبد الله الحسین علیہ السلام در پاسخ وی فرمود: إِنَّ مِثْلِي لَا يُعْطَى بِيَعْتَهُ سِرًّا، وَإِنَّمَا أَحِبُّ أَنْ تَكُونَ الْبَيْعَةَ عَلَانِيَةً بِحَضْرَةِ الْجَمَاعَةِ، وَلَكِنْ إِذَا كَانَ مِنَ الْعَدُوِّ دَعَوْتُ النَّاسَ إِلَى الْبَيْعَةِ دَعَوْتَنَا مَعَهُمْ فَيَكُونُ أَمْرُنَا وَاحِدًا. إِنِّي لَا أَرَاكَ تَقْنَعُ بِيَعْتِي لِيَزِيدَ سِرًّا حَتَّى أَبَايَعَهُ جَهْرًا فَيَعْرِفَ النَّاسُ؛ شخصی مانند من مخفیانه بیعت نمی کند، دوست دارم بیعت من علنی و در محضر مردم باشد! چون صبح شد، و تو مردم و ما را برای بیعت فراخواندی، تصمیم ما و مردم یکسان خواهد بود. من گمان نمی کنم تو به بیعت پنهانی من با یزید، قانع باشی، مگر آن که من آشکارا بیعت کنم تا مردم همگی با خبر شوند. و ولید گفت: آری چنین است! و حضرت ادامه فرمود: فَتُصْبِحُ وَ تَرَى رَأْيَكَ فِي ذَلِكَ؛ پس بگذار صبح شود، تا نظرت در این باره مشخص گردد.

حضرت ابا عبد الله الحسین علیہ السلام چون خواست از مجلس خارج گردد، مروان بن حکم به ولید گفت: به خدا سوگند! اگر حسین هم اکنون از تو جدا شود و بیعت نکند، هرگز چنین فرصتی، به چنگ نخواهی آورد، مگر آن که کشتار فراوانی میان شما اتفاق افتد. جلوی او را بگیر و مگذار از نزد تو بیرون رود، تا بیعت کند و گرنه گردنش را بزن! امام در عکس العمل به سخن مروان بن حکم از جایش برخاست و فرمود: يَا بَنَ الرَّزَقَاءِ أَنْتَ تَقْتُلُنِي أَمْ هُوَ؟ كَذِبْتَ وَاللَّهِ وَ أَثِمْتَ (1)؛ ای پسر زن چشم کبود بد سیرت! تو مرا می کشی، یا او؟ به خدا سوگند! دروغ گفתי و گناه کردی!

آنگاه حضرت ابا عبد الله الحسین علیہ السلام خود ولید را مورد خطاب قرار داد و چنین فرمود: أَيُّهَا الْأَمِيرُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبُطُ الرَّحْمَةِ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتِمُ وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ وَمِثْلِي لَا يَبَايِعُ مِثْلَهُ وَلَكِنْ نُصْبِحُ وَتُصْبِحُونَ وَنَنْظُرُ وَتَنْظُرُونَ أَيْنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ

ص: 17

1- - مقتل الحسين (عليه السلام)، العلميه، ج 1، ص 5 (با مختصر تفاوت).

وَالْبَيْعَةَ (1)؛ ای امیر! ما خاندان نبوت و معدن رسالتیم، خاندان ما محل آمد و شد فرشتگان و محل نزول رحمت خداست، خداوند هستی را از ما آغاز کرد و با ما به سرانجام می رساند. اما یزید، مردی شراب خوار است که دستش به خون افراد بی گناه آلوده گردیده است، او کسی است که حریم دستورات الهی را درهم شکسته و علنا و در مقابل چشم مردم، مرتکب فسق و فجور گشته است. آیا رواست شخصیتی هم چون من با آن سوابق درخشان و اصالت خانوادگی، با چنین مرد فاسد بیعت کند! و در آینده خواهید دید که کدامیک از ما سزاوار و لایق خلافت و رهبری امت اسلامی و شایسته ی بیعت مردم است.

با سروصدایی که در مجلس ولید پدید آمد و با سخنان قاطعی که حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، مروان را مورد خطاب قرار داد، همراهان امام احساس خطر نموده و گروهی از آنان وارد مجلس گردیدند و پس از این گفتگو که امید ولید را نسبت به بیعت کردن امام و هرگونه سازش در مورد پیشنهاد وی به یأس و ناامیدی مبدل می کرد، با امام مجلس را ترک کردند (2).

### بازخوانی سخنان امام حسین در جواب والی مدینه

#### 1. تشخیص صحیح و به موقع

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک رهبر الهی، با توجه به مصالح اسلام و مسلمین، توطئه را به درستی و به موقع تشخیص داد و دیگران را از توطئه مطلع ساخت و فرمود: اَظُنُّ أَنْ طَاغَيْتَهُمْ قَدْ هَلَكَ؛ می خواهند برای یزید بیعت بگیرند.

ص: 18

1- بحار الانوار، الوفاء، ج 44، ص 325.

2- سخنان حسین بن علی (علیه السلام) از مدینه تا کربلا. محمد صادق نجمی.

## 2. احساس مسئولیت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک رهبر الهی، بیعت با یزید را توطئه برای اسلام و مسلمین دانست و برای خنثی کردن توطئه در قبال جامعه اسلامی احساس مسئولیت نمود و زمینه ی قیام و نهضت را فراهم نمود.

## 3. حفظ استقلال و مرز بندی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک رهبر الهی، در عکس العمل به پیغام والی مدینه، استقلال خود را حفظ کرد و هرگز با مدعیان مخالفت با یزید مشورت ننمود و از نوع تصمیم آن ها نیز سؤال نفرمود و از گره زدن حرکت خود به روش ایشان، به شدت پرهیز نمود، تا حرکت اصلاحی و ارزشی خود را، از حرکت های انتقامی یا منفعت طلبانه، به صورت کامل، جدا سازد.

## 4. انتخاب بهترین گزینه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با شنیدن پیغام والی مدینه گزینه های متعددی در پیش روی داشت، اما در بین همه ی گزینه ها، بهترین گزینه را انتخاب کرد و به فرستاده ی والی فرمود: برو می آیم. حضرت امام فرار را، خواری و خفت دانسته و با انتخاب بهترین گزینه، زمینه ی قیام و نهضت را فراهم نمود.

## 5. آمادگی لازم

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در رفتن به دارالخلافه و برخورد با والی مدینه و همراهان وی، با هوشیاری کامل، تمهیداتی را به کار گرفت تا برای هرگونه عکس العمل ناشایست، آماده باشد، بر این اساس 30 نفر مسلح در بیرون دارالخلافه مستقر نمود.

## 6. اقدام سنجیده

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ همان گونه که از یک رهبر الهی انتظار می رفت، پس از ورود، بدون دستپاچگی و تحیر، بدون از تعجیل و خامی و بدون از ترس و وحشت؛ بسیار سنجیده و پخته عمل کرد و والی و همراهش را به یکی از آداب اسلامی سفارش نمود.

## 7. برخورد مدبرانه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ به عنوان یک سیاست مدار کارکشته، در پاسخ به والی مدینه، اشکال شکلی اقدام وی را بهانه کرد و به خواست والی تن نداد و فرمود: شخصیتی مانند من نباید مخفیانه بیعت کند تو نیز نباید به چنین بیعتی راضی باشی.

## 8. برخورد مقتدرانه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ به عنوان یک سیاست مدار کارکشته، محترمانه والی مدینه را به تمکین پیشنهاد خود واداشت و فرمود: وقتی ما را همراه مردم برای تجدید بیعت دعوت کردی؛ تصمیم ما و مردم یکسان خواهد بود. یعنی اگر خواستم بیعت کنم در جمع مردم بیعت خواهم کرد.

## 9. چرخش قهرمانانه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ همانند یک قهرمان میدان مبارزه، بدون ترس و وحشت و بدون دست پاچگی؛ در برابر قصد خبیث مروان، از موضع قوی و با صلابت برخورد نمود و خطاب به مروان فرمود: يَا بْنَ الزَّرْقَاءِ أَنْتَ تَقْتُلُنِي؟ تو می خواهی مرا بکشی یا دیگری؟

ص: 20

## 10. اتمام حجت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با پرهیز از کلمات چند پهلوی مرسوم در دیپلماسی سیاسی، در برخورد با والی مدینه به صورت صریح و روشن، اتمام حجت نمود و نپذیرفتن بیعت با یزید ملعون را به گونه ای مطرح نمود که از شروع یک قیام و نهضت الهی خبر دهد، بر این اساس فرمود: وَلَكِنْ نُصَبِحُ وَنُصْبِحُونَ وَنَنْظُرُ وَتَنْظُرُونَ آيِنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ.

## 11. بیان شایستگی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان موقعیت و جایگاه رفیع خود و خاندان عصمت و طهارت؛ شایستگی خود برای امامت و رهبری جامعه را ترسیم نمود و فرمود: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبُطُ الرَّحْمَةِ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتَمُ.

## 12. تبیین عدم صلاحیت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان وضعیت شرر بار یزید فاسق و خباثت و پستی وی، دلایل عدم صلاحیت وی در جایگاه رهبری جامعه را بیان کرد و دلیل نپذیرفتن بیعت با یزید ملعون را تبیین نمود و فرمود: وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ مُعَلِّنٌ بِالْفِسْقِ وَمِثْلِي لَا يَبِيعُ مِثْلَهُ.

## 13. مخالفت بی ثمر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان موضع صریح و روشن خود، ضمن مخالفت با یزید غاصب، به مدعیان مخالفت با یزید فهمانند که در برخورد با یزید، حرکت های انتقامی یا منفعت طلبانه و یا

سبک و سیاق شخصی، و سلیقه ای، کاری عبث و بیهوده است و با مخالفتشان راه بجایی نخواهند برند.

#### 14. تافته ی جدا بافته از رهبر الهی

آنان که در مخالفت با یزید تافته ای جدا بافته شدند و رهبر الهی خود را همراهی نکردند، نتوانستند دین خود را حفظ کنند و از مسیر حق و حقیقت خارج شدند و مصیبت بارتر از آن، این که جامعه اسلامی را به انحراف کشیده و با وارد کردن صدمات بسیار بر جامعه، خیل عظیمی از مسلمانان را به جان هم انداخته و گمراه کردند.

#### 15. در انتظار فرصت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در قیام و نهضتِ بر حق خود، هرگز شروع کننده نبوده بلکه مترصد زمینه و زمان مناسب بوده است و دعوت به بیعت با یزید فاجر توسط والی، زمینه ی شروع قیام را فراهم کرد.

#### 16. دعوت کوفیان

دعوت کوفیان هیچ نقشی در شروع نهضت حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام نداشته بلکه مردم کوفه وقتی از حرکت امام حسین مطلع شدند، اقدام به دعوت از حضرت نمودند.

#### 17. عمل اخلاقی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در معرفی خود و یزید اخلاقی عمل نمود. در بیان شایستگی ها، خود را مطرح نکرد و خاندان



عصمت و طهارت را معرفی نمود اما در افشاگری، سخن از خاندان به میان نیاورد و فقط از یزید ملعون سخن به میان آورد.

ص: 23

پاسخ امام حسین به پیشنهاد خفت بار مروان

بنابه نقل صاحب لهوف و مورخان دیگر، صبح همان شب حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در بیرون منزل، مروان بن حکم را دید، مروان عرضه داشت: یا ابا عبد الله! من خیر خواه شما هستم و پیشنهادی برای شما دارم که اگر قبول کنی به خیر و صلاح شماست.

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام فرمود: وَمَا ذَاكَ قُلْ حَتَّى أَسْمَعَ؛ پیشنهاد خود را بگو تا بشنوم. مروان عرضه داشت: إِنِّي أُمْرِكُ بِبَيْعَةِ يَزِيدَ بْنِ مَعَاوِيَةَ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ فِي دِينِكَ وَدُنْيَاكَ (1)؛ همان گونه که دیشب در مجلس ولید بن عتبه مطرح گردید شما با یزید بیعت کنید و این کار به نفع دین و دنیای شما است.

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در پاسخ پیشنهاد خفت بار مروان فرمود: إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْأَسْلَامِ إِذَا بُلِيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَمِعْتُ يَقُولُ الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْإِبْنِ إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَاوِيَةَ عَلَى

ص: 24

مَنْبَرِي فَأَبْقَرُوا بَطْنَهُ وَقَدْ رَأَهُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ عَلَى الْمَنْبَرِ فَلَمْ يَبْقَرُوا فَأَبْتَلَاهُمْ اللَّهُ بِبِزِيدِ الْفَاسِقِ؛ اینک باید فاتحه ی اسلام را خواند که مسلمانان به فرمانروایی مانند یزید گرفتار شوند. آری من از جدم رسول خدا شنیدم که فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است و اگر روزی معاویه را بر بالای منبر من دیدید (به بدترین وجه) او را بکشید، ولی مردم مدینه او را بر منبر پیامبر دیدند و نکشتند و اینک خداوند آنان را به یزید فاسق و بدتر از معاویه گرفتار کرده است. (1)

## بازخوانی پاسخ امام حسین به پیشنهاد مروان بن حکم

### 1. منطق و بصیرت فوق العاده

نهضت و قیام حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام منطقی فوق منطق افراد عادی و حتی فوق منطق خواص و سرشناسان معتبر جامعه دارد و از بصیرتی فوق بصیرت خواص جامعه، مانند ابن عباس، ابن حنفیه، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر برخوردار است، چرا که آن چه آنان در آینده نمی توانستند ببینند، حضرت در خشت خام می دید.

### 2. اجازه طرح پیشنهاد خفت بار

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به مروان برای طرح پیشنهاد خفت بارش، اجازه داد، تا از یک سو با بیان منظور و مقصودش، دویاره خود را نشان دهد و قصد شومش را بر علیه اسلام و رهبری آن، نمایان سازد و از سوی دیگر ضمن جلوگیری از هر بهانه ای، در آینده نتواند با نفاق و دورویی، حقائق را کتمان کند و از سوی سوم پذیرفتن نصیحت از دشمن خطاست اما شنیدن آن رواست تا به خلاف آن کار کنی که آن عین صواب است.

ص: 25

حذر کن زآن چه دشمن گوید آن کن \*\*\* که بر زانوزنی دست تغابن

گرت راهی نماید راست چون تیر \*\*\* از او برگرد و راه دست چپ گیر (1)

3. شنیدن پیشنهاد خفت بار

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ گرچه اجازه داد مروان پیشنهادش را طرح کند اما پیشنهاد خفت بار مروان را نپذیرفت، چرا که مروان فردی منافق و جاه طلب بود و در طرح پیشنهاد خفت بارش، دنبال مقاصد شخصی و رذیلاته ی خود می گشت.

4. پاسخ صریح و روشن

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در مقابل پیشنهاد خفت بار مروان، به صورت صریح و روشن اظهار نظر کرد تا ضمن تفهیم هدف و مقصدش، با وی و موافقان زمامداری یزید ملعون، اتمام حجت نماید.

5. خیرخواهی دروغین

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به خوبی به مروان تفهیم کرد که وی به بیراهه رفته و بر خلاف ادعایش، نه تنها خیر خواه امام نیست، بلکه با پیشنهاد خفت بارش، قصد توطئه بر علیه اسلام و مسلمین دارد.

6. تقدم صلاح جامعه بر فرد

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به خوبی به مروان تفهیم کرد که بر فرض محال اگر در خیر خواهی صادق باشد، باید بداند که

ص: 26

خیر جامعه اسلامی بر خیر و صلاح فرد مقدم است و بدون توجه به منافع شخصی و ظاهری، باید به مصالح جامعه اسلامی توجه نمود.

#### 7. مبارزه با علت نه معلول

فساد زمامدار، علت بیعت نکردن حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام است. حضرت امام به جای پرداختن به چرایی بیعت نکردن، به چرایی مخالفت با ام الفساد می پردازد و به جای مخالفت با پیشنهاد خفت بار مروان، با زمامداری یزید مخالفت می کند تا ضمن دوری از مباحث انحرافی، توجه همگان را به ام الفساد بودن یزید (که علت است) جلب نماید. حضرت امام برای این که کسی نتواند بیعت نکردن حضرت را توجیه کند که یزید مشکلی ندارد و حضرت چون خود را برتر می داند بیعت نمی کند؛ به اصل اشکال زمامداری یزید پرداخت.

#### 8. عمق فاجعه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام زمامداری یزید ملعون را به فاجعه در جامعه اسلامی تعبیر می کند و با تلاوت کلمه استرجاع: *إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ*؛ وضعیت اسفبار جامعه اسلامی را ترسیم و از عمق فاجعه خبر می دهد و با کلمه *بُليِّتِ إِذَا بُليِّتِ الْأُمَّةُ*؛ و تعبیر به خفت بار ترین شکل زمامداری؛ وضعیت ننگین یزید را ترسیم می نماید.

#### 9. کوتاهی نسبت به فرمایشات پیامبر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با یادآوری فرمایش پیامبر گرامی اسلام، به مسلمانان و خاصه بزرگان جامعه فهماند که گرفتاری جامعه اسلامی به زمامداری آدم فاجر و فاسقی مثل یزید، به خاطر کوتاهی جامعه در عمل به فرمایشات پیامبر گرامی اسلام است و اگر

مسلمانان و خاصه بزرگان جامعه، در عمل به فرمایشات آن بزرگوار کوتاهی نمی کردند، امروز به زمامداری مثل یزید گرفتار نمی شدند.

#### 10. وَعَلَىٰ أَسْلَامِ السَّلَامِ

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ با جمله وَعَلَىٰ أَسْلَامِ السَّلَامِ می خواهد ثابت کند که زمامداری یزید فاجر، تمامی زحمات پیامبر گرامی اسلام را از بین می برد و در این صورت باید با اسلام، خدا حافظی کرد و به تعبیر دیگر فاتحه ی اسلام را خواند.

#### 11. مستند سازی دکترین قیام

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ با جمله وَلَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ با استناد قیام و نهضت خود به فرمایش پیامبر گرامی اسلام، ضمن مستند سازی دکترین قیام، حقانیت حرکت الهی را ثابت می کند.

#### 12. انگیزه ی الهی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ با بیان: وَعَلَىٰ أَسْلَامِ السَّلَامِ وَلَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ، انگیزه ی حرکت خود را الهی و برای اصلاح جامعه اسلامی آن زمان معرفی می کند و هیچ انگیزه ی دیگری را در آن نقش نمی دهد.

سخن امام حسین علیه السّلام در کنار قبر پیامبر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، بعد از مخالفت با بیعت، در حرم پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حضور یافت و با پیامبر گرامی اسلام و با خداوند تبارک و تعالی سخن گفت.

سخن با پیامبر گرامی اسلام

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، در اولین اقدام وارد حرم پیامبر گرامی اسلام شد و با این جملات به زیارت آن بزرگوار پرداخت و فرمود: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ فَاطِمَةَ فَزُحْكَ وَاِبْنُ فَرْخَتِكَ وَسِیدُ بَطْطُك الَّذِی خَلَقْتَنِي فِی اُمَّتِكَ، فَاشْهَدْ هَدْ يَا نَبِیَّ اللَّهُ اِنَّهُمْ خَذَلُونِی وَلَمْ یَحْفَظُونِی وَهَذِهِ شَكْوَاۤی اِلَیْكَ حَتّٰی اَلْقَاكَ؛ سلام بر تو ای رسول خدا! منم حسین پسر فاطمه؛ منم نوه دلبنده و دوست داشتنی تو و فرزند دختر دلبنده و دوست داشتنی تو و منم پاره‌ی تن تو که مرا برای هدایت و رهبری میان امت به یادگار گذاشتی. ای پیامبر خدا! گواه باش که آنان مقام مرا پاس نداشتند و جایگاه معنوی مرا نادیده گرفته اند، این شکایت من است به پیشگاه تو، تا آنگاه که به ملاقات تو بشتابم.

ص: 29

حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام، در شب دوم و برای دومین بار به زیارت قبر پیامبر گرامی اسلام رسید و با خداوند تبارک و تعالی به مناجات پرداخت و فرمود: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا قَبْرُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَقَدْ حَضَرَنِي مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ عَلِمْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَأُتَكِرُ الْمُنْكَرَ وَأَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِحَقِّ الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ إِلَّا اخْتَرْتَ لِي مَا هُوَ لَكَ رِضَىٰ وَلِرَسُولِكَ رِضَىٰ (1)**؛

خدایا! این قبر پیامبر تو محمد است و من فرزند دختر پیامبر تو هستم و برای من پیش آمدی رخ داده است که خود می دانی. خدایا! من معروف و نیکی را دوست دارم و از بدی و منکر بیزارم، ای خدای ذوالجلال و الاکرام به احترام این قبر و کسی که در میان آن آرمیده است از تو می خواهم راهی را پیش روی من گذاری که سبب خشنودی تو و پیامبر تو است. در ادامه آن بزرگوار تمام شب را به عبادت و مناجات، مشغول می شود.

### بازخوانی دو سخن امام حسین علیه السلام

1. شکایت به محضر پیامبر گرامی اسلام

حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام، با زیارت، وضعیت اسف بار بوجود آمده را به پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خبر داد و از دست مسببان آن، شکایت نمود.

2. جنبه ی عمومی شکایت نه شخصی

حضرت ابا عبد الله الحسين عليه السلام، به خاطر بی توجهی به دستور پیامبر گرامی اسلام مبنی بر جانشینی حضرتش و نادیده گرفتن

ص: 30



حق معنوی امامت، از دست امت شکایت کرد اما از حقوق شخصی خود سخن به میان نیاورد.

### 3. انتصاب به پیامبر گرامی اسلام

از آن جا که در ظاهر، دوست و دشمن، برای پیامبر گرامی اسلام جایگاه رفیع قائل بودند، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، در شکایتش به محضر پیامبر گرامی اسلام از بین هزاران فضیلت، فقط خود را منتصب به پیامبر گرامی اسلام معرفی کرد و از کلمات "فَرَّخُك" و "سِبْطُك" استفاده نمود تا شاید کسانی که در دل ذره ای ایمان به آن بزرگوار دارند متنبه شده و از راه کج رفته ی خود باز گردند.

### 4. حرمت آزار و اذیت

گرچه بسیاری از مسلمانان، در مورد امامت و رهبری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام یک دست نبودند اما بر سفارش پیامبر گرامی اسلام مبنی بر وجوب دوستی و رعایت حرمت آن بزرگوار و دوری از آزار و اذیت آن حضرت، اتفاق نظر داشتند، بر این اساس حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، از این زمینه استفاده نمود و در محضر پیامبر گرامی اسلام فرمود: **أَنَّهُمْ خَدَلُونِي وَلَمْ يَحْفَظُونِي؛** سفارش شما را در حق من مراعات نکردند؛ تا شاید از این رهگذر عواطف مسلمانان تحریک شده و با حمایت رهبری امت، راه سعادت و رستگاری را طی نمایند.

### 5. ظلم در حق پیامبر گرامی اسلام

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، در شکایتش به محضر پیامبر گرامی اسلام از کلماتی استفاده کرد که بار حقوقی بیشتری دارد، آن بزرگوار در معرفی خود از انتصابش به پیامبر گرامی اسلام سخن گفت و

از کلمات "فَرَحُكُ" و "سَيِّئُ بُطُكُ" استفاده نمود، تا نشان دهد که ظلم نه در حق خود، که در حق پیامبر گرامی اسلام است و چون ظلم در حق پیامبر گرامی اسلام از عواقب بدتری برخوردار است؛ ظالمین را با هشدار جدی روبرو سازد.

#### 6. دو لحن متفاوت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، در زیارت پیامبر گرامی اسلام و مناجات با خداوند تبارک و تعالی با دو لحن متفاوت سخن گفت. در زیارت پیامبر گرامی اسلام از شکایت سخن گفت و در مناجاتش با خداوند تبارک و تعالی سخن از وظیفه به میان آورد و طلب موفقیت نمود.

#### 7. دو بُعد متفاوت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، آن جا که به پیامبر گرامی اسلام شکایت می برد؛ به بُعد مظلومیت نظر دارد و آن جا که با خداوند تبارک و تعالی مناجات می کند به بُعد وظیفه نظر دارد.

#### 8. شکایت به یک مرجع

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، در مناجاتش با خداوند تبارک و تعالی، برخلاف سخنانش با پیامبر گرامی اسلام از شکایت سخنی نگفت، چرا که شکایت را به چند جا نمی برند.

#### 9. فَدَيْنَاهُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، در مناجاتش با خداوند تبارک و تعالی، از شکایت سخنی نگفت، چرا که با پذیرش "وَفَدَيْنَاهُ" ص: 32

بِذَبْحٍ عَظِيمٍ" (1) جای شکایت نبود و اگر هم به نزد پیامبر اسلام شکایت کرد، از عملکرد امت بود، نه گله از شرائط بوجود آمده برای خود.

#### 10. قرار عاشقی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، با بیان "وَقَدْ حَصَّ رَنِي مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ عَلِمْتَ" خداوند تو از آن چه برای من پیش آمده است مطلعی؛ از قرارهایی که از قبل تعیین شده بود "وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ" سخن راند.

#### 11. اعلام آمادگی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، با بیان "إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَأُتَكِّرُ الْمُنْكَرَ"؛ من معروف و نیکی را دوست دارم و از بدی و منکر بیزارم؛ آمادگی خود را برای حرکتی اصلاحی اعلام نمود.

#### 12. بیان چند حقیقت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، با بیان "وَأَسَاءُ لَكَ... إِلَّا اخْتَرْتَ لِي مَا هُوَ لَكَ رِضِيَّ وَلِرَسُولِكَ رِضِيَّ" از تو می خواهم راهی را پیش روی من گذاری که سبب خشنودی تو و پیامبر تو است؛ چند حقیقت را اعلام نمود. هم آمادگی خود را برای عمل به وظیفه را اعلام نمود، هم هدفش را رضای خداوند تبارک و تعالی اعلام نمود، هم به همه فهماند، توفیق انجام وظیفه را باید از خداوند تبارک و تعالی، طلب کرد، هم به همگان و خاصه به مدعیان دفاع از اسلام، فهماند که هر حرکتی مطلوب نیست، حرکتی مطلوب است که برای رضای خدا و در جهت اصلاح جامعه باشد.

ص: 33

### 13. ضرورت خودسازی و تهذیب نفس

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، با راز و نیاز و با مناجات با خداوند تبارک و تعالی، می خواهد به همه ی حماسه سازان و مدعیان مبارزه بفهماند که پیروزی به ارتباط با خداوند تبارک و تعالی نیاز دارد، شکست دادن دشمن به مبارزه با هواهای نفس نیاز دارد، مبارزه و جهاد، به خودسازی و تهذیب نفس نیاز دارد. این ارتباط انسان را از آسیب حفظ می کند و پیروز می نماید.

### 14. ضرورت ارتباط با خداوند تبارک و تعالی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، با مناجات با خداوند تبارک و تعالی، می خواهد به همه ی فدائیان اسلام بفهماند که پیوند عمیق با مسائل معنوی و اخلاقی، ارتباط، توسل و مناجات با خداوند تبارک و تعالی، توجه به عرفان و معنویت، محو معشوق شدن و ندیدن خود در مقابل ذات مقدس ربوبی و فناء فی الله است که مجاهد راه خدا را در رسیدن به هدف یاری می کند، استحکام و اقتدار و پیروزی آنان را تضمین می کند، حماسه ی آن ها را با عظمت و با شکوه جلوه گر می سازد، و جهاد آنان را اثرگذار و ماندگار می نماید.

### 15. هرچه معنویت قوی تر، جهاد کارسازتر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، می خواهد به همه ی مدعیان مبارزه بفهماند که جهاد و شهادت، آفریده و مخلوق عرفان و معنویت است، هر چه درگیری بیشتر و مبارزه، نفس گیرتر باشد، ارتباط با خداوند تبارک و تعالی، باید بیشتر و عمیق تر باشد و هرچه عرفان و معنویت قوی تر و عمیق تر باشد؛ جهاد در مقابل دشمنان کارسازتر و شهادت در راه خدا پر ثمرتر خواهد بود.

پاسخ امام حسین علیه السلام به عمر اطرف

پس از آن که جریان مخالفت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، با بیعت و تصمیم وی به مبارزه و حرکت از مدینه ی منوره؛ در میان مردم خاصه در میان خاندان آن بزرگوار مطرح گردید، چند تن از اقوام برای دلسوزی و حفظ جان آن بزرگوار، به حضور آن حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام رسیدند و سازش با یزید را به امام پیشنهاد نمودند!

یکی از افرادی که به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، پیشنهاد بیعت داد، عمر اطرف فرزند امیر مؤمنان علیه السلام بود که خدمت حضرت امام رسید و چنین درخواست کرد: برادر، برادرم حسن مجتبی از پدرم امیر مؤمنان علیه السلام چنین نقل نموده است که تو را به قتل خواهند رسانید و من فکر می کنم مخالفت تو با یزید بن معاویه منجر به کشته شدن تو گردد و اگر با یزید بیعت کنی این خطر برطرف خواهد شد و شما از کشته شدن مصون خواهید ماند(1)! حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، در پاسخ وی فرمود: حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَرَهُ بِقَتْلِهِ وَقَتْلِي وَأَنَّ

ص: 35

تُرَبَّتُهُ تَكُونُ بِالْقُرْبِ مِنْ تُرْبَتِي أَنْظُرُ أَنْكَ عَلِمْتَ مَا لَمْ أَعْلَمُهُ(1)؟ پدرم از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرِ كَشْتَه شَدْنِ خَوِيشِ وَ هَمِچْنِينِ خَيْرِ كَشْتَه شَدْنِ مَرَا بَرَايِ مِنْ هَمِ نَقْلِ نَمُودِ وَ پَدْرَمِ دَرِ نَقْلِ خَوِيشِ اَيْنِ جَمَلَه رَا نِيْزِ اِضَافَه نَمُودِ كَه قَبْرِ مِنْ دَرِ نَزْدِيكِي قَبْرِ اَوْ قَرَارِ خَوَاهِدِ گِرَفْتِ، اَيَا گِمَانِ مِي كَنِي چيزِي رَا كَه تُو مِي دَانِي مِنْ اَز اَن بِي اِطْلَاعِ هَسْتَمِ؟

وَاللّٰهُ لَا اَعْطٰى الدّٰنِيَةَ مِنْ نَفْسِي اَبَدًا وَ لَتَلْقَيْنَ فَاطِمَةَ اَبَاها شَاكِيَةً مَالَقِيَتْ ذُرِّيَّتَهَا مِنْ اُمَّتِهِ وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اَحَدٌ اِذَاها فِي ذُرِّيَّتِها(2)؛ به خدا سوگند من هيچ گاه به زير بار ذلت نخواهم رفت و در روز قيامت مادرم فاطمه زهرا از ايدان و اذيتي كه فرزندان از امت جدش ديده اند به جدّ خویش شكایت خواهد برد و کسی كه با اذيت فرزندان فاطمه زهرا سلام الله عليها موجب رنجش و اذيت وی گردد داخل بهشت نخواهد گرديد.

### بازخوانی پاسخ امام حسين عليه السلام به عمر اطرف

1. مخالفت ها و جواب ها

كسانی كه با پيشنهاد خود، قصد جلوگيري از حركت حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ را داشتند چند گروه بودند:

" کسانی كه (از روی بی اطلاع، یا با اطلاع از عاقبت كار) جنبه های شخصی قضیه را می دیدند و از روی علاقه و دلسوزی چنین پیشنهادی را به حضرت ارائه می كردند.

" کسانی كه تا حدودی از وظایف امامت و رهبری آگاه بودند اما حال مبارزه و همراهی را نداشتند.

ص: 36

1-- همان

2-- همان

" کسانی که حرکت حضرت را سبب افشای ماهیت مناقضانه شان می دانستند.

" کسانی که حرکت حضرت را مخالف مطامع دنیائیشان می دیدند.

و حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به فراخور پیشنهادها و مخالفت ها، جواب های مختلفی به افراد ارائه نموده است.

## 2. روشنگری

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ضمن پاسخ افراد، نسبت به پیشنهاد دهندگان، هشدار جدی می دهد و همه ی آنان را از عاقبت پیشنهادشان با خبر می سازد.

## 3. عالم الغیب و الشهادة

بعضی بر این تصور بودند که چون حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، از عاقبت کار بی خبر است و دست به چنین حرکتی زده است و حضرت امام با پاسخ هایش از این تصور غلط پرده برداشت و به روشنی تفهیم کرد که ممکن نیست رهبر الهی نسبت به عاقبت کاری که می خواهد شروع کند؛ آگاهی نداشته باشد چرا که امام به اذن خداوند تبارک و تعالی، عالم الغیب و الشهادة است.

## 4. کسی آگاه تر از امام نیست

بعضی با پیشنهاداتشان خود را آگاه تر از امام معرفی می کردند و حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ هایش از این تصور غلط پرده برداشت و به روشنی تفهیم کرد که ممکن نیست کسی نسبت به رهبر الهی آگاه تر باشد و امام نسبت به موضوعی آگاهی کمتر از دیگران باشد.

## 5. منافع شخصی یا مصالح جامعه اسلامی

بعضی با پیشنهادشان از حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام می خواستند تا منافع شخصی خود را بر مصالح جامعه اسلامی مقدم شمارد و حضرت امام این خواست نابجا را رد کرد و به روشنی تفهیم نمود که ممکن نیست رهبر الهی با مقدم شمردن منافع شخصی، مصالح جامعه ی اسلامی را نادیده بگیرد و از آن غفلت نماید.

## 6. منافع شخصی فدای مصالح جامعه ی اسلامی

بعضی با پیشنهادشان از حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام می خواستند تا مصالح جامعه ی اسلامی را فدای منافع شخصی خود بنماید و حضرت امام این خواست نابجا را رد کرد و به روشنی تفهیم نمود که هر مسلمانی باید منافع شخصی خود را فدای مصالح جامعه ی اسلامی بنماید و الا به اسلام و جامعه ی اسلامی خیانت کرده است و رهبر الهی از این قاعده مستثنی نیست و هرگز مصالح جامعه ی اسلامی را فدای منافع شخصی خود نخواهد کرد.

## 7. خبر از نهضت و قیام

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با بیان این که هرگز تن به ذلت نمی دهد، ضمن جواب صریح و روشن، برای چندمین بار از وظیفه ی رهبری الهی خبر داد و از تصمیم قاطع خود نسبت به حماسه ی جهاد و شهادت پرده برداشت و با اتمام حجت، تکلیف همگان را در این مبارزه نفس گیر روشن ساخت.

## 8. مستند سازی دکترین قیام

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام خبر شهادت را مستند به حدیث نبوی نمود تا به روشنی ترسیم نماید که حرکتش فردی و



سلیقه ای نبوده و با استناد قیام و نهضت خود به فرمایش پیامبر گرامی اسلام، ضمن مستند سازی دکترین قیام، حقانیت حرکت الهی را ثابت می کند.

## 9. محل شهادت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با خبر از محل شهادت خود، از انجام و عاقبت حرکت؛ همه ی کسانی که قصد همراهی حضرت را داشتند، مطلع ساخت تا هیچ ناخالصی در قیام نماند و آنان که انگیزه های مادی دارند تکلیف خود را بدانند و رهبر الهی را بیش از این زحمت ندهند.

## 10. به جای دفاع درخواست تسلیم

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام سخن از شکایت مادرش در نزد رسول الله سخن به میان آورد تا به دیگران بفهماند که با نادیده گرفتن حق معنوی امامت و رهبری توسط سران جامعه، چگونه بر وی ظلم روا داشته اند و از آن بدتر این که به جای دفاع از حق امامت و رهبری، چگونه مدعیان دین داری وی را به تسلیم در برابر ظلم دعوت می کنند.

## 11. هشدار جدی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با بیان سنت الهی که "داخل بهشت نخواهد شد کسی که با اذیت فرزندان فاطمه موجب رنجش وی گردد" جامعه و خواص را با هشدار جدی مواجه ساخت، تا از این رهگذر شاید به یاری رهبر جامعه برخیزند و از شقاوت ابدی رهایی یابند.

پاسخ امام حسین علیه السلام به ام سلمه

بنا به نقل مرحوم راوندی و بحرانی و محدثان دیگر هنگامی که ام سلمه همسر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از حرکت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام مطلع گردید به حضورش آمده و عرضه داشت:

لاتحزنی بِخروجِكَ إِلَى الْعِرَاقِ بِأَحْرَكِ خُودٍ بِسُورِ عِرَاقٍ مَرَاغْمَنَاكَ وَمَحْزُونِ نِگَرْدَانٍ؛ زیرا من از جدت پیامبر گرامی اسلام شنیدم که می فرمود فرزندم حضرت امام حسین علیه السلام در خاک عراق و در محلی به نام کربلا کشته خواهد شد.

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در پاسخ وی فرمود: يَا أُمَّاهُ وَأَنَا أَعْلَمُ أَنِّي مَقْتُولٌ مَدْبُوحٌ ظُلْمًا وَعَدُوَانًا وَقَدْ شَاءَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَرَى حَرَمِي وَرَهْطِي مُشَرَّدِينَ وَأَطْفَالِي مَدْبُوحِينَ مَأْسُورِينَ مُقِيدِينَ وَهُمْ يَسْتَغِيثُونَ فَلَا يَجِدُونَ نَاصِرًا(1)؛

مادر فکر نکن که از این جریان تنها تو مطلع هستی، خود من نیز بهتر از تو می دانم که از راه ظلم و ستم و از راه عداوت و دشمنی کشته خواهم شد و سرم از تنم جدا خواهد گردید و خداوند بزرگ چنین خواسته است که حرم و اهل بیت من آواره و

ص: 40

فرزندانم شهید و به زنجیر اسارت کشیده شوند و صدای استغاثه ی آنان طنین انداز گردد ولی کمک و فریادرسی پیدا نکنند.

## بازخوانی پاسخ امام حسین علیه السّلام به ام سلمه

1. تصور غلط را از اذهان زدود

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان جزئیات بیشتر، برای چندمین بار تصور غلط و عامیانه که "اگر می دانست کشته می شود به سمت کوفه حرکت نمی کرد" را از اذهان زدود، و به روشنی تفهیم کرد که ممکن نیست رهبر الهی نسبت به عاقبت کاری که می خواهد شروع کند؛ آگاهی نداشته باشد چرا که امام به اذن خداوند تبارک و تعالی، عالم الغیب و الشهادة است.

2. قیام بر اساس وظیفه ی دینی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان جزئیات بیشتر، با صراحت تمام اعلام نمود که من از عاقبت حرکت و از نتیجه ی آن با خیرم و آن چه مرا بر این حرکت و امی دارد، انجام دستور الهی و وظیفه ی دینی است.

3. قیام الهی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان جمله "وَقَدْ شَاءَ عَزَّوَجَلَّ" برای چندمین بار، شائبه ی غیر الهی بودن حرکتش یا شائبه ی شخصی بودن حرکتش را به کلی منتفی ساخت و حرکتش را دستور الهی و وظیفه ی دینی معرفی کرد، وظیفه ای که در طول تاریخ بر دوش انبیاء و رهبران الهی بوده است.

ص: 41

#### 4. ترسیم سطح انحطاط

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان جزئیات حرکت، از خباثت دشمنان در رابطه با خاندان عصمت و طهارت پرده برداشت و برای چندمین بار سطح ظلمی که به آن بزرگوار روا خواهند داشت و سطح انحطاط جامعه را ترسیم نمود.

#### 5. مسلمانان ساکت و غاصبان جائر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در یک پیش بینی واقعی از کوتاهی مسلمانان در انجام وظیفه ی دینی که در نهایت به شهادت وی و اسارت اهل و عیال او منجر می شود، پرده برداشت و به همگان این حقیقت را فهماند، که ظلم، بر بستر سکوت مسلمانان و همراهی نکردن آن بزرگوار است که بر حضرت روا داشته شده است. او به همه فهماند که نقش مسلمانان ساکت در این ستم، کمتر از غاصبان مقام امامت و ولایت نیست.

#### 6. ضرورت همراهی خانواده

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان جزئیات، ضرورت همراهی خانواده در این حرکت الهی و نقش آنان در پیام رسانی نهضت عاشورا را تبیین کرد و ایشان را برای مصائب پیش رو آماده ساخت.

#### 7. اسباب کشته شدن را فراهم نکنید

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان جزئیات بیشتر، به همگان تفهیم کرد که آن چه پیامبر گرامی اسلام فرمود، برای این نیست که مواظب باشید امام حسین به عراق نرود که اگر برود کشته می شود، بلکه پیامبر گرامی اسلام به امت اسلامی می خواهد بفهماند که مواظب

باشید، اسباب این کشته شدن فراهم نشود یا اگر فراهم شد، شما در کشتن آن بزرگوار، نقش نداشته باشید و در عوض او را یاری کنید.

ص: 43

## پاسخ امام حسین علیه السلام به محمد حنفیه

وقتی مخالفت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام با بیعت و تصمیم آن بزرگوار برای مبارزه و حرکت وی از مدینه ی منوره؛ در میان مردم خاصه در میان خاندان آن بزرگوار مطرح گردید، محمد حنفیه یکی دیگر از فرزندان امیر مؤمنان علیه السلام بنا به نقل طبری و مورخان دیگر خدمت حضرت امام حسین رسید و به عنوان خیر خواهی عرضه داشت: برادر! تو محبوبترین و عزیزترین مردم هستی و من آن چه را که خیر و صلاح تشخیص می دهم موظفم که به تو بگویم! من فکر می کنم شما تا آنجا که امکان پذیر است در شهر معینی اقامت نکنید و خود و فرزندان در نقطه ای دور دست از یزید و دورتر از این شهرها قرار بگیرید و از آن جا نمایندگانی به سوی مردم گسیل دارید و حمایت آنان را به سوی خود جلب کنی که اگر با تو بیعت کردند خدا را سپاس می گزاری و اگر دست بیعت به دیگران دادند باز هم لطمه ای به تو وارد نگردیده است ولی اگر به یکی از این شهرها وارد گردی می ترسم در میان مردم اختلاف به وجود بیاید، گروهی از تو پشتیبانی کرده، گروه دیگر بر علیه تو قیام کنند و کار به قتل و خونریزی منجر گردد و در این میان، تو هدف تیر بلا گردی آن

وقت است که خون بهترین افراد این امت ضایع و خانواده ات به ذلت نشانده خواهد شد.

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: مثلاً به عقیده ی تو به کدام ناحیه بروم؟ و محمد حنفیه گفت: فکر می کنم وارد شهر مکه شوی و اگر در آن شهر اطمینان نبود از راه دشت و بیابان از این شهر به آن شهر حرکت کنی تا وضع مردم و آینده ی آنها را در نظر بگیری. امیدوارم با درک عمیق و نظر صائبی که در تو سراغ دارم، همیشه راه صحیح در پیش پایت قرار بگیرد و مشکلات را با جزم و احتیاط یکی پس از دیگری برطرف سازی.

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ محمد حنفیه چنین فرمود: یا اَخِی لَوْلَمْ یکنُ فِی الدُّنْیَا مَلْجَاً وَلَا مَاءً وِی لَمَا بایعْتُ یزیدَ بِنَ مُعَاوِیَةَ؛ برادر تو که برای امتناع از بیعت یزید حرکت از شهری به شهر دیگر را پیشنهاد می کنی این را بدان که اگر در تمام این دنیای وسیع هیچ پناهگاه و ملجاء و مأوایی نباشد باز هم من با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد.

در این هنگام که اشک محمد حنفیه به صورتش روان بود، حضرت امام حسین علیه السلام چنین ادامه داد: یا اَخِی جَزَاکَ اللّٰهُ خَیْرًا لَّقَدْ نَصَحْتُ وَاشْدَرْتُ بِالصَّوَابِ وَاَنَا عَازِمٌ عَلَی الْخُرُوجِ اِلَی مَکَّةَ وَقَدْ تَهَيَّأْتُ لِذَلِکَ اَنَا وَاخَوْتِی وَبَنُو اَخِی وَشِیْعَتِی وَاَمْرُهُمْ اَمْرِی وَرَاِیَهُمْ رَاِیَیْ وَاَمَّا اَنْتَ فَلَا عَلَیْکَ اَنْ تُقِیْمَ بِالْمَدِیْنَةِ فَتَکُوْنُ لِی عَیْنًا عَلَیْهِمْ لَا تُخْفِی عَنِّی شَیْئًا مِنْ اُمُوْرِهِمْ(1)؛

برادر! خدا به تو جزای خیر دهد که وظیفه ی خیرخواهی و صلاحدید خود را انجام دادی و اما من وظیفه ی خود را بهتر از تو می دانم و تصمیم گرفته ام که به مکه حرکت کنم و من و برادرانم و فرزندان برادرم و گروهی از شیعیانم مهیا و آماده ی این سفر هستیم؛ زیرا این عده با من هم عقیده بوده و هدف و خواسته ی آنان همان هدف و

ص: 45

خواسته ی من است و اما وظیفه ای که بر تو محول است این است که در مدینه بمانی و در غیاب من آمد و رفت و حرکت مرموز دستیاران بنی امیه را در نظر بگیری و در این زمینه اطلاعات لازم را در اختیار من قرار بدهی.

### بازخوانی پاسخ امام حسین به محمد حنفیه

1. سه گزینه ی پیش رو

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در برابر اجبار به بیعت با یزید ملعون سه گزینه پیش رو داشت، یکی تسلیم و بیعت و دوم فرار و مخفی شدن و سوم مخالفت و قیام بود و از آن جایی که محمد حنفیه دریافته بود که آن بزرگوار هرگز تسلیم نخواهد شد و بیعت نخواهد کرد؛ از روی دلسوزی گزینه ی دوم را به حضرت پیشنهاد می دهد.

2. بین تسلیم یا فرار فرقی نیست

در منطق حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تنها یک گزینه در بین همه ی گزینه ها صواب و درست است و دیگر گزینه ها خاری و خفت است. در منطق آن بزرگوار که منطق دین و رهبری است، بین تسلیم یا فرار فرقی نیست، چرا که هر دو به دور از شأن امامت و رهبری جامعه ی اسلامی است. اقتضای منطق دین و رهبری جامعه این است که رهبر در برابر شرائط به وجود آمده در جامعه در اوج مسئولیت پذیری باشد نه حداقلی. پا پس کشیدن امامت و رهبری در شرائط بحران، با رهبری جامعه منافات دارد، اضافه بر این، اگر امامت و رهبری در شرائط بحران، پا پس بکشد چه انتظاری از دیگر افراد جامعه می توان داشت؟!!

ص: 46



### 3. تسلیم یا فرار خاری و خفت است

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با بیان لَوْلَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا مَلْجَأٌ وَلَا مَاءٌ وَيٌّ لَمَا بَايَعْتُ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ؛ آب پاکی را روی دست محمد حنفیه و هم فکرائش ریخت و هدف بلندش را نمایان ساخت و برای چندمین بار، تسلیم یا فرار را خواری و خفت دانست و تصمیم قاطع خود را نسبت به حماسه ی جهاد و شهادت، علنی ساخت و با همه اتمام حجت کرد و تکلیف همگان را در این مبارزه ی نفس گیر روشن نمود.

### 4. ضرورت درک صحیح از پیام

کسانی که پیام حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ را به خوبی دریافت کردند؛ توانستند آن بزرگوار را یاری کنند و با جانفشانی در راه خدا اسلام را زنده نگهدارند و با شهادت، سرآمد همه ی شهدای هستی و سر مشق همه ی آزادگان عالم شوند و در مقابل کسانی که درک صحیحی از پیام حضرت پیدا نکردند، نتوانستند امام و رهبر خود را همراهی کنند و برای این که چند صباحی زنده بمانند، سر تسلیم در برابر دشمنان خدا فرود آوردند و سرانجام با خاری و خفت، زندگی ننگین خود را به پایان رساندند.

### 5. درک صحیح از پیام

در طول تاریخ نیز چنین بوده است، کسانی که پیام حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ را به درستی درک کردند؛ تحول آفرین شدند. سید جمال الدین اسد آبادی، میرزای شیرازی، مرحوم مدرس و رهبر کبیر انقلاب از این گروه بودند که با دریافت صحیح پیام عاشورا

توانستند نهضتی عظیم، کارساز، ماندگار و تأثیر گذار، به وجود آورند و برای اسلام و مسلمین و حتی برای بشریت عزت آفرین باشند.

6. پیام امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام

پیام حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَام تن به خواری و خفت ندادن، زیر بار ظلم و ستم نرفتن، در برابر ظلم و ستم سکوت نکردن، با ظالمان سازش نکردن، مبارزه ی چشم گیر و خستگی ناپذیر با ظلم و فساد داشتن و دفاع جانانه از حق و حقیقت است و لو بلغ ما بلغ.

ص: 48

## وصیت نامه امام حسین علیه السلام

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام قبل از حرکت از مدینه به سوی مکه، وصیت نامه ای نوشت و آن را به برادرش محمد حنفیه سپرد و به سوی مکه کرد(1).

متن وصیت نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

هذا ما أوصى به الحسين بن علي إلى أخيه محمد بن الحنفية

این وصیت نامه ای است که حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام برای برادرش محمد مشهور به ابن حنفیه نوشته است

أَنَّ الْحُسَيْنَ يُشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛ حسين گواهی می دهد: خدایی جز الله وجود ندارد، خدا یکی است و شریکی ندارد، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبد و رسول خدا است که حقیقت

ص: 49

را از جانب خدا آورده است، و همانا که بهشت و جهنم حقیقت هستند و قیامت خواهد آمد و هیچ شکی در آن نیست و خداوند هر کسی را که در قبور باشد زنده خواهد کرد.

وَأَتَى لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا؛ و همانا من برای سرکشی و تکبر و فساد و ظلم قیام نکردم.

وَأَمَّا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ تنها برای اصلاح امت جدم قیام کردم و می خواهم به نیکی سفارش و از بدی نهی کنم و مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام عمل نمایم.

فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ، فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا، أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ، وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. وَهَذِهِ وَصِيَّتِي إِلَيْكَ يَا أَحْيَى. وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَأَلِيهِ أُنِيبُ؛ پس هر کس که مرا بدین جهت قبول کند همانا خداوند به حق سزاوارتر است و کسی که دست رد به سینه من بگذارد من صبر می کنم تا خدا که بهترین حکم کنندگان است بین من و آن قوم داوری نماید. ای برادر این وصیت من است به تو. توفیق من جز با خدا نیست من بخدا توکل می کنم و به سوی او باز می گردم.

سپس امام عَلِيهِ السَّلَام وصیت نامه را مهر نمود و به برادرش محمد حنفیه سپرد و با وی خداحافظی کرد و در دل شب از مدینه خارج شد.

### 1. وصیت امر الهی است

در قرآن کریم در چندین آیه و همچنین روایات متعدد در خصوص وجوب وصیت سخن به میان آمده است. در آیه 180 سوره بقره آمده است: كَتَبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ؛ بر شما نوشته شده: هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران. و پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می فرماید: مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (1)؛ کسی که بدون وصیت بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است. و در حدیث دیگر می فرماید: مَا يَنْبَغِي لِمَرْءٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيْتَ لَيْلَةً إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ (2)؛ بر هیچ مسلمانی سزاوار نیست که شبی را سپری کند، مگر این که وصیتش زیر سرش باشد.

### 2. وصیت سازندگی دارد

اسلام وصیت را واجب کرد تا مسلمانان همواره آماده باشند و در صورتی که اندوخته های ماندنی و سنت های حسنه ماندگار را آماده نکرده اند؛ آماده کنند و تا اندوخته های بردنی و زاد و توشه راه را همراه نکرده اند؛ همراه کنند.

بار سفر چه بسته ای؟ مرگ خبر نمی کند

آن که نبسته بار خود، در این سفر چه می کند (3)؟

ص: 51

1- - المقنعه، کنگره جهانی شیخ مفید، ج 1، ص 666.

2- - همان

3- - غلامحسین سجاذزاده

وصیت برای ثبت وضعیت فعلی است تا اگر اندوخته، پسندیده نیست و تا یادگار ماندگار، ارزشمند نیست؛ به مرور آن را تغییر دهند. تا از کرده‌ها پشیمان شوند و از غفلت‌ها به درآیند، عقب افتادگی‌ها را جبران کنند، معایب را برطرف نمایند، نواقص را تکمیل کنند، از بیراه‌ها برگردند و بر درستی‌ها پافشاری نمایند و بر اصلاح رفتار خود برآیند. وصیت برای این نیست که بنویسند تا دیگران، برایش انجام دهند. وصیت مثل انتظار است و فی نفسه سازندگی دارد. وصیت یک نوع حساب رسی از خود است.

### 3. وصیت بزرگان

وصیت جنبه دیگری هم دارد، بعضی از وصیت‌ها برای بصیرت‌افزایی و روشن کردن راه آیندگان است. وصیت بزرگان و خاصه رهبران دینی از جمله: وصیت پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت امیر عَلِيهِ السَّلَام (1) یا به حضرت ابوذر (2)

یا وصیت حضرت امیر عَلِيهِ السَّلَام به حسنین (3)

عَلَيْهِمَا السَّلَام و یا وصیت حضرت أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به محمد حنفیه از این قبیل است.

### 4. هدف قیام

حضرت أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام با وصیت تاریخی خود، هدف حرکت و ارکان قیام الهی خود را تبیین می‌نماید و آن را اصلاح امت، احیای سنت‌های حسنه، امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌نماید: وَأَمَّا حَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ص: 52

---

1- بحار الانوار، ط دار الاحیاء التراث، ج 74، ص 69.

2- مکارم الاخلاق، الأعلمی، ج 1، ص 458.

3- نهج البلاغه/ خطبه 149.

وَسَلَّمَ. أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ. و دكترين نهضت الهی خود را بر راه و روش پیامبر گرامی اسلام و امیر مؤمنان پایه ریزی می نماید: وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

5. پذیرش مسلمانان

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با وصیت تاریخی خود، زمینه پذیرش قاطبه مسلمانان را فراهم کرد. گرچه مسلمانان در یاری آن بزرگوار کوتاهی کردند و آن بزرگوار را در تحقق اهداف نهضت و قیام یاری نکردند؛ اما حضرت به گونه ای عمل کرد تا حتی آنان که مخالف حرکت آن بزرگوار بودند؛ آن حضرت را بر راه و روشش مُحِقِّ بدانند و حداقل در اندیشه و گفتار، بنی امیه را محکوم کنند. به همین خاطر همه کسانی که بر علیه بنی امیه قیام کردند؛ خون خواهی آن حضرت را هدف قیام خود اعلام می کردند.

6. جلوگیری از سوء برداشت ها

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با وصیت تاریخی خود، از هر سوء برداشت و سوء استفاده احتمالی جلوگیری می کند تا دشمنان نتوانند حرکت الهی آن بزرگوار را تحریف نمایند. آن بزرگوار قیام و نهضت خود را از هر انگیزه غیر خدایی بری دانسته و تصریح می کند: **وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا؛** من برای سرکشی و تکبر و فساد و ظلم قیام نکردم.

7. پیش بینی آینده

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با وصیت تاریخی خود، با پیش بینی آینده، از خباثت بنی امیه پرده برمی دارد و اتهام خارجی خواننده آن بزرگوار، خاصه در مسیر کاروان اسیران در کوفه و شام را از حرکت و

ص: 53

قیام خود دور می کند و با وصیت الهی خود، توطئه پلیدان را خنثی می کند.

8. پیروزی خون را بر شمشیر

حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با وصیت تاریخی خود، زمینه تأثیر رسالت پیام رسانان نهضت را فراهم کرده و به کمک آنان می آید. آنگاه که امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ و زینب کبری سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا بناست، نهضت عاشورا را ماندگار و اثرگذار نمایند و پیام کربلا را برای نسل های آینده برسانند؛ این وصیت کارگشا است. برای پیروزی خون بر شمشیر، وصیت و پیام مکمل یکدیگرند. امروز هیچ کس در حقانیت و پیروزی حرکت حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ و خباثت و شکست بنی امیه شک ندارد، که زمینه آن، توسط وصیت محقق شده است.

ص: 54



## انتخاب مسیر حرکت امام حسین به سمت مکه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام برای حرکت به سمت مکه، همان راه عمومی و معمولی که همه مسافران و کاروانیان از آن استفاده می کردند را انتخاب کرد و این در حالی بود که عبدالله بن زبیر به عنوان یکی از مخالفان یزید، بر خلاف حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام شبانه و مخفیانه از مدینه خارج و از بیراهه به سوی مکه حرکت نمود.

به همین خاطر، یکی از یاران، پیشنهاد داد: بهتر نیست یکی از راه های فرعی و کوهستانی را انتخاب کنید تا اگر افرادی از طرف کارگزاران یزید در تعقیب شما باشند و هدف ضربه زدن به شما را داشته باشند، نتوانند به هدف خود برسند؛ همان گونه عبدالله بن زبیر کرد؟

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به این پیشنهاد فرمودند: لا وَاللَّهِ لَا أَفَارِقُهُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ مَا هُوَ قَاضٍ (1)؛ نه به خدا سوگند! مسیر معمولی و جاده عمومی را می رویم و به کوره راه ها منحرف نخواهم شد تا آن چه را خدا خواهد محقق شود.

ص: 55

---

1- - نهضه الحسين (عليه السلام)، (بی جا)، ج 1، ص 79.

1. بهترین گزینه

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام به عنوان یک رهبر الهی، در حرکت اصلاحی و مقدس خود، فرار را، خواری و خفت دانسته و در بین همه ی گزینه های پیش رو، بهترین گزینه را انتخاب کرد تا زمینه ی قیام و نهضت را فراهم نماید.

2. فراخوان عمومی

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام به عنوان یک رهبر الهی، با انتخاب راه اصلی مدینه به مکه و قرار دادن حرکت خود در مرئی و منظر همگان، دست به یک فراخوان عمومی زده است تا آنانی که می خواهند در این حرکت اصلاحی و مقدس شرکت کنند راحت بتوانند ملحق شوند و آنانی که گریزانند حجتی نداشته باشند.

3. کار صواب، راه صواب می طلبد

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام به عنوان یک رهبر الهی، در حرکت اصلاحی و مقدس خود، راه صحیح و صواب را انتخاب کرد، تا بتواند مسلمانان را به راه صواب که مبارزه با طاغوت زمان است، دعوت کند. بیراهه رفتن رهبری، پیروان را به بیراهه می کشاند. اگر رهبری نهضت در حرکت به سوی مکه، خود، از بیراهه برود؛ چه توقعی از پیروان می توان داشت که او را در قیام و نهضت همراهی کنند؟ و در حمایت از امامت و رهبری به بیراهه نروند؟

ص: 56

#### 4. چرا گریزان و چرا بیراهه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک رهبر الهی، در حرکتش از مدینه به سوی مکه؛ نه خلافی کرده و نه قصد خلافی دارد و نه ترسی از عوامل حکومتی دارد؛ تا گریزان باشد و مانند عبدالله بن زبیر، از بیراهه فرار کند.

#### 5. حفظ استقلال

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک رهبر الهی، در حرکت اصلاحی و مقدس خود، استقلال خود را حفظ کرد و هرگز حرکت خود را به حرکت امثال عبدالله بن زبیر گره نزد تا حرکت اصلاحی و ارزشی خود را، از حرکت های انتقامی یا منفعت طلبانه، به صورت کامل، جدا نماید.

#### 6. عبدالله بن زبیر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک رهبر الهی، با انتخاب راه اصلی مدینه به مکه، می خواهد به همگان بفهماند که مخالفت امثال عبدالله بن زبیر با یزید غاصب، مبارزه اصولی با طاغوت زمان نیست چرا که سبک و سیاق شخصی، و سلیقه ای، در مخالفت با یزید، کاری عبث و بیهوده است و با مخالفتشان راه بجایی نخواهند برند.

#### 7. تافته ی جدا بافته از رهبر الهی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان یک رهبر الهی، با انتخاب راه اصلی مدینه به مکه، می خواهد به همگان بفهماند: آنان که در مخالفت با یزید تافته ای جدا بافته شدند و رهبر الهی خود را همراهی نکردند، به بیراهه رفته و برای جامعه اسلامی مصیبت به بار می آورند.

## تلاوت قرآن کریم هنگام خروج از مدینه و ورود به مکه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام روز یکشنبه دو روز مانده به آخر ماه رجب به همراه فرزندان و افراد خانواده به سوی مکه حرکت کرد. آنگاه که شهر مدینه را پشت سر می گذاشت، آیه شریفه حرکت موسی از مصر را قرائت نمود: فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(1)؛ موسی ترسان و نگران از شهر خارج شد و گفت: پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش.

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام پس از پنج روز فاصله مدینه تا مکه را پیمود و در شب جمعه سوم ماه شعبان به مکه معظمه وارد گردید و به هنگام ورود به این شهر، این آیه شریفه را قرائت نمود: وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ(2)؛ و چون موسی به شهر مدین روی آورد چنین گفت: امیدوارم پروردگارم به راه راست رهنمونم گردانده و بر آنچه خیر و صلاح در آن است هدایتم فرماید.

ص: 58

1- - الارشاد، کنگره شیخ مفید، ج 2، ص 35.

2- - همان

1. مبارزه تمام عیار

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با تلاوت دو آیه شریفه، مربوط به حضرت موسی عَلَی نَبِینَا و عَلَیهِ السَّلَامُ می خواهد از هدف بزرگ خود و حرکت اصلاحی و مقدس خود که هم پیامبر گونه است و هم یک مبارزه تمام عیار است پرده بردارد.

2. فرعون زمان

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با تلاوت دو آیه شریفه، مربوط به حضرت موسی عَلَی نَبِینَا و عَلَیهِ السَّلَامُ می خواهد به همگان بفهماند، آن که عنان جهان اسلام را به دست گرفته، یک طاغوت، یک طغیان گر و یک فرعون است و من بر اساس فرمان: وَاجْتَبُوا الطَّاغُوتَ (1)

و فرمان: اَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (2)،

برای مبارزه با فرعون و طاغوت زمان حرکت کردم.

3. دشواری راه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با تلاوت عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ، دشواری راهی انتخابی را می خواهد به همگان بفهماند تا همراهان، تکلیف خود را بفهمند. هم آنان که برای تقسیم غنائم ملحق می شوند و هم آنان که تا آخرین لحظه و تا آخرین قطره خون، ایستادگی می کنند.

ص: 59

---

1 -- نحل/36.

2 -- نازعات/17.

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با تلاوت عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ، می خواهد به همگان بفهماند حرکت و پیروزی به هر شکلی که باشد؛ عنایتی است از طرف پروردگار عالم و ما خود را به او سپرده ایم.

## سخن امام حسین در پاسخ عبدالله بن عمر

پس از وارد حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به مکه، عبدالله بن عمر که عازم مدینه بود، به حضور حضرت رسید و با آن که یکی از مخالفان یزید بود، به آن بزرگوار پیشنهاد صلح و سازش و بیعت با یزید داد و حضرت را از عواقب خطرناک مخالفت با یزید بر حذر داشت و بنا به نقل خوارزمی، چنین گفت: یا ابا عبدالله! چون مردم با این مرد بیعت کرده اند و درهم و دینار در دست اوست قهرا به او روی خواهند آورد و با سابقه دشمنی که این خاندان با شما دارد، می ترسم در صورت مخالفت با وی کشته شوی و گروهی از مسلمانان نیز قربانی این راه شوند و من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: حسین کشته خواهد شد و اگر مردم دست از یاری و نصرت وی بردارند، به ذلت و خواری مبتلا خواهند گردید. پس برای پیشگیری از کشتن خود و ذلت و خواری مسلمانان از در بیعت و صلح با یزید وارد شو (1).

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در پاسخ به پیشنهاد عبدالله بن عمر فرمود: یا ابا عبد الرحمن أما علمت أن من هوان الدنيا

ص: 61

عَلَى اللَّهِ أَنْ رَأَسَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا أُهْدِيَ إِلَى بَغْيٍ مِنْ بَغَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ؟ ابوعبدالرحمان! مگر نمی دانی که دنیا آن چنان حقیر و پست است که سر بریده انسان برگزیده و پیامبر عظیم الشأن مانند یحیی بن زکریا را به عنوان هدیه و ارمغان به فرد ناپاک و زناکاری از بنی اسرائیل فرستاده می شود.

أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يُقْتُلُونَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ يَجْلِسُونَ فِي أَسْوَاقِهِمْ يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ كَأَن لَمْ يَصَدَّ نَعُوا شَيْئًا؛ مگر نمی دانی که بنی اسرائیل با خدای بزرگ آنچنان به مقام مخالفت برآمدند که در اول صبح هفتاد پیامبر را به قتل می رساندند سپس به خرید و فروش و کارهای روزانه خویش مشغول می شدند که گویا کوچکترین جنایتی مرتکب نگردیده اند.

فَلَمْ يَعَجَلِ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بَلْ أَمَهَلَهُمْ وَأَخَذَهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ أَخْذَ عَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ اتَّقُوا اللَّهَ يَا أبا عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَلَا تَدْعَنَّ نَضْرَتِي (1)؛ پس خداوند به آنان مدتی مهلت داد ولی بالاخره به سزای اعمالشان رسانید و انتقام خدای قادر منتقم آنها را به شدیدترین وجهی فرا گرفت؟

سپس حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام چنین فرمود:

یا ابوعبدالرحمان! از خدا بترس و دست از نصرت و یاری ما بردار (2)!

بنا به نقل شیخ صدوق چون عبدالله بن عمر از پیشنهاد خود نتیجه ای نگرفت، عرضه داشت: یا اباعبدالله! دوست دارم در این هنگام مفارقت اجازه بدهید آن قسمت از بدن شما را که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکرر می بوسید من هم ببوسم و آن بزرگوار اجازه داد و عبدالله سه بار سینه آن حضرت را بوسه زد و در حالی که گریه می کرد چنین گفت: اسْتَوْدِعُكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ...؛ یا اباعبدالله! تو را به

ص: 62

1-- همان، ص 280.

2-- همان.



خدا می سپارم و با تو خدا حافظی می کنم؛ زیرا تو در این سفر کشته خواهی شد(1).

## بازخوانی جواب امام حسین به عبدالله بن عمر

1. جواب مناسب

پاسخ حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به افراد مختلف، مناسب با سطح درک و بینش و طرز تفکر افراد بوده است و پاسخ آن بزرگوار به پیشنهاد عبدالله بن عمر از این قاعده مستثنی نیست.

2. مدعیان عوام فریب

چه بسیارند کسانی که منافع دین را می خوانند، اما حاضر نیستند هزینه تدیّشان را بپردازند، اینان همواره دین را برای خود هزینه می کنند نه خود را برای دین، اینان خود را علاقمند و دلسوز رهبران دینی می دانند و برای اثبات ادعای ریاکارانه خود، دست و بازوی امام را می بوسند و یا اشک تمساح می ریزند اما هرگز حاضر نیستند در حمایت و تحقق منویات امام قدمی بردارند.

برخیز تا یک سو نهمیم این دلق ازرق فام را \*\*\* بر باد قلاشی دهیم این شرک تقوا نام را

هر ساعت از نوقبله ای با بت پرستی می رود \*\*\* توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را(2)

ص: 63

---

1- - الأُمّالی، البعثه، ج 1، ص 217.

2- - سعدی

چه بسیارند کسانی که سالوس صفت خود را حامی دین معرفی می کنند اما از پشت، خنجرشان آخته ی ضربه زدند به دین است. آن جایی که باید همراهی کند، با صد عذر، سکوت و خانه نشینی را برمی گزیند و آن جایی که باید در برابر کجی و انحراف، مقاومت کند، همراه می شوند.

#### 4. کوفی صفت

یکی از آن خیل عظیم افراد منحرف و عوام فریب، عبدالله بن عمر است. عبدالله بن عمر کارنامه تدبیرش پر از نفاق و دورویی است. او کوفی صفتی است که یزید وار بر گرده دین تاخت و بسیاری را منحرف کرده است. وی از یک سو بر دست و بازوی امام ریاکارانه بوسه می زند و از سو دیگر پیشنهاد صلح و سازش به امام می دهد. از یک سو برای جان امام منافقانه اشک تمساح می ریزد و از سوی دیگر با یزید اعلان وفاداری می کند. از یک سو خود مرید علی معرفی می کند و از سوی دیگر حاضر به بیعت با حضرت نمی شود. از یک سو سخن از سنت و سیره پیامبر می زند و از سوی دیگر معاویه را به رسمیت شناخت. از یک سو داعیه تدین و وفاداری به پیامبر گرامی اسلام دارد و از سوی دیگر با حجاج بن یوسف، خونخوار مروانی، شبانه بیعت می کند.

مکتوب می رسید فراوان، ولی دریغ \*\*\* خطش تمام، کوفی و مهرش فریب بود

پیشانی تمامیشان داغ سجده داشت \*\*\* آنان که خیمه گاه مرا تیر می زدند(1)

ص: 64

آن چه پیامبر گرامی اسلام در باره کشته شدن حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام بیان فرموده است؛ برای این نیست که مواظب باشید امام حسین به عراق نرود که اگر برود کشته می شود، بلکه پیامبر گرامی اسلام به امت اسلامی می خواهد بفهماند که مواظب باشید، اسباب این کشته شدن فراهم نشود. پیامبر گرامی اسلام مسلمانان را به ترک فعل دعوت نکرد تا عبدالله بن عمر بر آن پافشاری کند، بلکه مقصود آن بزرگوار این است که مواظب باشید، در کشتن آن بزرگوار، نقش نداشته باشید و مواظب باشید، دست از یاری او برندارید.

6. ذلت و زبونی

پیامبر گرامی اسلام در یک پیش گویی فرمود: هرکس دست از یاری فرزندانم بردارد، به ذلت و زبونی دچار خواهد شد(1) و این حقیقت در باره عبدالله بن عمر محقق شد. آنگاه که حجاج برای سرکوبی اهل مدینه آمد، عبدالله بن عمر برای بیعت شبانه خود را به حجاج رساند و حجاج بجای دست، پای خود را برای بیعت از زیر لحاف بیرون کرد و او با تمام خاری و خفت با بوسه بر پای حجاج با او بیعت کرد(2). ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی خواهند داشت(3).

ص: 65

---

1- - مقتل الحسين (عليه السلام)، انوار الهدى، ج 1، ص 278.

2- - شرح نهج البلاغه، آیت الله مرعشی نجفی، ج 13، ص 242.

3- - مانده / 33.

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در چند مرحله از حادثه تلخ و جنایت بزرگ کشته شدن حضرت یحیی عَلَی نَبِینَا وَ عَلَیهِ السَّلَام و به ارمغان رفتن سر بریده او برای یک جنایتکار یاد می کند تا تشابه حرکت خود را با آن بزرگوار در چند جهت به همگان بفهماند: اول حرکت پیامبر گونه خود را معرفی کند، دوم از عاقبت شهادت خود خبر دهد، سوم خباثت عاملان شهادت را یادآور شود و چهارم از جنایت طاغوت زمان یزید پرده بردارد و پنجم خسارت سکوت مسلمانان، خاصه خواص اهل حق را گوشزد کند.

نامه امام حسین علیه السلام به بنی هاشم

ابن قولویه در کامل الزیارات نقل می کند: حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام از مکه برای برادرش محمد حنفیه و سایر افراد بنی هاشم، در نامه ای چنین نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ لَحِقَ بِي إِسْتَشْهَدَ وَمَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحَ، وَالسَّلَامُ (1)؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، از حسین بن علی به محمد بن علی و افراد دیگر از بنی هاشم که در نزد وی هستند. اما بعد: هر که به من ملحق شود شهید خواهد شد و هر که از همراهی من خودداری کند به فتح و پیروزی دست نخواهد یافت والسلام.

پس از رسیدن نامه به مدینه، محمد حنفیه با عده ای از بنی هاشم به آن حضرت در مکه ملحق شدند. (2)

ص: 67

---

1- کامل الزیارات، ط مکتبه الصدوق، ج 1، ص 76.

2- ترجمه حسین بن علی از تاریخ ابن عساکر، احیاء الثقافه الاسلامیه، ج 1، ص 298.

1. عاقبت کار

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در این نامه آن چه بناست اتفاق بیفتد را برای نزدیکان و وابستگان، بیان فرمود و آنان را از عاقبت کار مطلع ساخت تا هرکدام بر اساس واقعیت موجود و بر اساس ایمان و اعتقاد خود، راه درست را انتخاب کنند.

2. بعضی گنج زدند

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با جملات کوتاه، بصیرت افزایی کرد و مسلمانان و به خصوص خواص جامعه اسلامی را راهنمایی نمود تا بر اساس تکلیف الهی، بتوانند صحیح موضع گیری کنند و به وظیفه خود عمل نمایند. ولی متأسفانه بسیاری از شخصیت ها و چهره های نامدار صدر اسلام، هرگز از این روشنگری بهره نبردند و بر موضع اشتباه خود پافشاری کردند. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید: قبل از حرکت به کربلا، بزرگانی مثل ابن عباس و ابن جعفر و چهره های نامدار صدر اسلام، که ادعای فقاقت و شهامت و ریاست و آقا زادگی و امثال اینها را داشتند، گنج شدند و نفهمیدند چه کار باید بکنند. (1)

3. بصیرت افزایی

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام با جملات کوتاه، بصیرت افزایی کرد و به همگان فهماند که فتح و پیروزی در گرو جانفشانی و شهادت در راه خداست و هر کس دنبال فتح و پیروزی است باید در این حرکت و قیام همراه شود، نه آن که بنشیند و نظاره گر باشد.

ص: 68

مخاطب نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سه گروه هستند: یک گروه که به ظاهر آن بزرگوار را همراهی کردند و دو گروه دیگر، کسانی که به دلایل گوناگون حاضر به همراهی با حضرت نشدند.

#### گروه اول

گروه اول کسانی هستند که به قصد غنائم همراه شده یا همراه خواهند شد. حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام آب پاکی را روی دست این گروه ریخته و آنان را مخاطب قرار داده و می فرماید در این مسیر خبری از غنائم نیست؛ آن چه هست جهاد و شهادت است: مَنْ لِحِقِّ بِي اسْتَشْهَدَ؛ هر که به من ملحق شود شهید خواهد شد.

#### گروه دوم

گروه دوم کسانی هستند که منتظرند آن بزرگوار با ایشان جان خود و یارانش، راه را برای استیلای بنی هاشم و علویان باز کند و ایشان سهمی از آن بردارند و از این نمد برای خود کلاهی بسازند. حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام مانند گروه اول، آب پاکی را روی دست این گروه ریخته و آنان را مخاطب قرار می داده و می فرماید: وَمَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحَ؛ این چنین نیست که شما دور از صحنه نظاره گر باشید و بعد بتوانید از ثمره قیام منفعت ببرید.

#### گروه سوم

گروه سوم کسانی هستند که از عاقبت کار آگاهند، از یک طرف حاضر نیستند خطر کنند و حضرت را همراهی نمایند و از طرف دیگر می دانند که اگر آن بزرگوار همراهی نکنند، عاقبت خوبی برایشان رقم

نخواهد خورد، در نتیجه می خواهند به ظاهر از روی خیر خواهی حضرت را از راه مقدسش بازدارند تا گرفتار خاری و ذلت نشوند و حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام مانند دو گروه اول، آب پاکی را روی دست این گروه ریخته و با جمله: مَنْ لَحِقَ بِي اسْتَشَّ هَدً؛ قطعیت حرکت و قیام خود را به آنان فهماند و با جمله: وَمَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحَ؛ عاقبت مختوم و ذلت بار آنان را گوش زد می کند.



خطبه امام حسین علیه السلام در مکه

با نزدیک شدن موسم حج، حجاج، گروه گروه وارد مکه می شدند در این هنگام حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام مطلع شد که به دستور یزید بن معاویه، عمرو بن سعد بن عاص به ظاهر به عنوان امیر حاج ولی در واقع به منظور ترور آن بزرگوار عازم مکه شده است، لذا آن حضرت تصمیم گرفت به احترام کعبه، بدون شرکت در مراسم حج و با تبدیل اعمال حج به عمره مفرده در روز سه شنبه هشتم ذیحجه از مکه به سوی عراق حرکت کند.

امام قبل از حرکت، خطبه ای را در میان افراد خاندان بنی هاشم و گروهی از شیعیان ایراد فرمود: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ؛ سپاس برای خداست، آنچه خدا بخواهد همان خواهد بود و هیچ نیرویی حکم فرما نیست مگر به اراده خداوند و درود خداوند بر فرستاده خویش.

خَطُّ الْمَوْتِ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطُّ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ، وَ مَا أَوْلَهَنِي إِلَى أَسْلَافِي إِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ؛ مرگ برای آدمیزاد همانند گردنبندی است بر گردن دختران جوان و من به دیدار نیاکانم، مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف؛ اشتیاق دارم.

وَ خَيْرِي مَصْرَعٌ أَنَا لَاقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعُهَا عَسَلَانُ الْفُلُوتِ بَيْنَ النَّوَاسِ وَ كَرَبْلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشاً جَوْفاً وَ أَجْرَبَةً سَعْباً؛ و برای من قتلگاهی معین گردیده است که در آنجا فرود خواهیم آمد و گویا با چشم خود می بینم که درندگان بیابان ها و لشکریان کوفه در سرزمینی در میان نوایس و کربلا اعضای مرا قطعه قطعه و شکم های گرسنه خود را سیر و انبان های خالی خود را پر می کنند.

لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رَضَى اللَّهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبِرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ يُؤَقِّينَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ؛ از پیشامدی که با قلم قضا نوشته شده است، چاره و مفری نیست، بر آنچه خدا راضی است ما نیز راضی و خشنودیم، در مقابل بلا و امتحان او صبر و استقامت می ورزیم و خداوند اجر صبر کنندگان را بر ما عنایت خواهد نمود.

لَنْ تَشُدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لِحَمَّتِهِ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقَدْسِ، تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يُنَجِّزُ بِهِمْ وَعْدَهُ؛ در میان پیامبر و پاره های تن وی فرزنداناش هیچگاه جدایی نخواهد افتاد و در بهشت برین در کنار او خواهند بود؛ زیرا آنان وسیله خوشحالی و روشنی چشم پیامبر بوده و وعده او نیز که استقرار حکومت الله است به وسیله آنان تحقق خواهد پذیرفت.

مَنْ كَانَ بَادِلاً فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوْطِئاً عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيُرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى(1)؛ هر یک از شما حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهیم کرد ان شاء الله تعالی.

ص: 72

1. یکی از مظاهر کمال

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام چه تعبیر زیبا و چه تشبیه دلنشین از مرگ دارد: *حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ*؛ مرگ برای آدمیزاد همانند گردنبندی است بر گردن دختران جوان. این تعبیر زیبا و تشبیه دلنشین از مرگ نشان از نوع مواجهه انسان با مرگ است که زندگی انسان را تغییر می دهد. ترس از مرگ، خاری و خفت می آورد و نترسیدن از مرگ، زندگی عزتمند را به دنبال دارد. شهید میورد می شهید مطهری در کتاب انسان کامل می فرماید: یکی از مظاهر کمال طرز مواجهه انسان با مرگ است. زیرا خیلی از بدبختی های انسان به خاطر ترس از مرگ است. بعضی به خاطر اینکه نمیرند تن به پستی ها و بدبختی های زیادی می دهند. (1)

2. پاسخ به دلسوزان

بسیاری از محبین حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برای آن حضرت به خاطر کشته شدن، دلسوزی می کردند و برای این که کشته نشود، می خواستند آن بزرگوار را از این حرکت و قیام منصرف نمایند و حضرت به آنان این گونه جواب می دهد: *وَمَا أَوْلَاهَنِي إِلَّا أَسْلَافِي إِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ*؛ و من به دیدار نیاکانم، مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف، اشتیاق دارم.

3. خبر قطعی از شهادت

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برای چندمین بار، از شهادت خود خبر می دهد و با صراحت کامل، جزئیات آن را بیان می کند.

ص: 73

آن بزرگوار شهادت خود را تقدیر و امتحان الهی می‌داند که گریزی از آن نیست و از آن جایی که برای حفظ اسلام و مسلمین لازم و ضروری است؛ آن را مورد رضایت حضرت حق معرفی می‌کند تا مسلمانان را با هشدار جدی روبرو ساخته و از این رهگذر عواطف مسلمانان تحریک نماید تا با حمایت رهبری امت، راه سعادت و رستگاری را طی نمایند.

#### 4. دعوت قاطع به مبارزه

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ باز برای اتمام حجت در پایان خطبه، همه کسانی را که ادعای چاکری و فدایی شدن دارند و مدام چاکرم و فدات بشم می‌گویند و همه کسانی که در ظاهر قرب الهی و رسیدن به خدا را طلب می‌کنند را به این حرکت و قیام دعوت نموده و می‌فرماید: مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوْطِنًا عَلَىٰ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصَدِّبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛ هر یک از شما که حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم کرد ان شاء الله تعالی.

پاسخ امام حسین به پیشنهاد عبدالله بن زبیر

پیشنهاد عبدالله بن زبیر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با اعلام حرکت به سوی عراق، عبدالله بن زبیر که به اصطلاح از افراد مبارز و مخالف یزید بود و از مدینه فرار کرده و به مکه پناهنده شده بود؛ خدمت آن حضرت رسید و به صورت ظاهر در یک سخن دو پهلو، گفت: یا بن رسول الله! اگر من هم در عراق شیعیانی مانند شیعیان شما داشتم آنجا را به هر نقطه دیگر ترجیح می دادم. ابن زبیر برای این که متهم نشود، در ادامه گفت: در عین حال اگر در مکه اقامت کنید و بخواهید امامت و پیشوایی مسلمانان را داشته باشید؛ ما نیز با تویبعت می کنیم و پشتیبانی تو خواهیم بود. (1)

پاسخ امام حسین علیه السلام به عبدالله بن زبیر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ به پیشنهاد عبدالله بن زبیر فرمود: إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي أَنَّ بِمَكَّةَ كَبْشًا بِهِ تُسَدُّ حُرْمَتُهَا فَمَا أُحِبُّ أَنْ أَكُونَ ذَلِكَ الْكَبْشَ؛ پدرم به من خبر داد که به سبب وجود

ص: 75

قوچی در مکه احترام آن شهر درهم شکسته خواهد شد و نمی خواهیم آن قوچ من باشم تا حرمت خانه خدا توسط من شکسته شود.

وَلَيْسَ أَقْتَلُ خَارِجاً مِنْهَا بِشَيْرٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتَلَ خَارِجاً مِنْهَا بِشَيْرٍ؛ و اگر یک وجب دورتر از مکه به قتل برسم، بهتر است از این که در داخل آن به قتل برسم و اگر دو وجب دورتر از مکه کشته شوم بهتر است از اینکه در یک وجبی آن به قتل برسم.

وَأَيْمُ اللَّهِ لَوْ كُنْتُ فِي جُحْرِ هَامَةَ مِنْ هَذِهِ الْهُوَامِ يَسَّ تَخْرُجُونِي حَتَّى يَقْضُوا بِي حَاجَتَهُمْ؛ و به خدا سوگند! اگر در لانه مرغی باشم مرا در خواهند آورد تا با کشتن من به هدف خویش برسند.

وَاللَّهِ لَيَعْتَدَنَّ عَلَيَّ كَمَا اعْتَدَتِ الْيَهُودُ فِي السَّبْتِ (1)؛ به خدا سوگند! همان گونه که قوم یهود احترام روز شنبه سمبل وحدت و روز تقرب به خدای خویش را درهم شکستند این ها نیز احترام مرا درهم خواهند شکست.

يَا ابْنَ الزُّبَيْرِ لَئِنْ أُدْفِنَ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُدْفَنَ بِفِنَاءِ الْكُعْبَةِ (2)؛ اگر من در کنار فرات دفن بشوم، برای من محبوب تر است از اینکه در آستانه کعبه دفن شوم.

پس از آن که ابن زبیر از مجلس امام خارج گردید، آن حضرت چنین فرمود: إِنَّ هَذَا يَقُولُ لِي كُنْ حَمَاماً مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ (3)؛ او به من می گوید کبوتر حرم باش!

إِنَّ هَذَا لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ أَخْرَجَ مِنَ الْحِجَازِ وَقَدْ عَلِمَ أَنَّ النَّاسَ لَا يَعْدِلُونَهُ بِي فَوَدَّ أَنْ يَخْرُجْتُ حَتَّى يَخْلُوَ لَهُ (4)؛ او گرچه به

ص: 76

1- - الکامل فی التاریخ، دار الکتب العربی، ج3، ص148.

2- - مع الركب الحسينی (2ج)، (بی جا)، ج1، ص287.

3- - همان/ص284.

4- - الکامل فی التاریخ، دار الکتب العربی، ج3، ص148.

ظاهر به بودن من در مکه علاقه نشان می دهد ولی در واقع بیش از هر چیز به بیرون رفتن من از مکه علاقه مند است؛ زیرا می داند با وجود من، کسی به او توجهی نخواهد کرد و من با رفتن میدان را برای او باز می گذارم.

### بازخوانی پاسخ امام حسین عبدالله بن زبیر

1. ترسیم آینده ابن زبیر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در این گفتار راجع به گذشته ابن زبیر و نقش اساسی وی در راه اندازی جنگ جمل و موضع ردیلانه او در برابر امام علی علیه السَّلَام، سخنی به میان نیاورد ولی در ضمن چند جمله، آینده ابن زبیر را برای وی ترسیم نمود و فرمود: إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي أَنَّ بِمَكَّةَ كَبْشًا بِهِ تُسَدُّ تَحْلُ حُرْمَتُهَا؛ پدرم به من خبر داد که به سبب وجود قوچی در مکه احترام آن شهر درهم شکسته خواهد شد.

2. هشدار به ابن زبیر

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضمن بیان پیش بینی پدر بزرگوارش، و این که نمی خواهم شکننده حریم کعبه باشم؛ به ابن زبیر هشدار می دهد که مواظب باش تو آن قوچی نباشی که حریم کعبه را درهم می شکند: فَمَا أَحِبُّ أَنْ أَكُونَ ذَلِكَ الْكَبْشَ؛ نمی خواهم آن قوچ من باشم تا حرمت خانه خدا توسط من شکسته شود.

3. پیش بینی امام محقق می شود

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با تمام هشدارهایی که به ابن زبیر می دهد، متأسفانه این هشدارها به دلیل خباثت دورونی ابن زبیر،

اثر نمی‌کند و پیش‌بینی امام علی عَلَیْهِ السَّلَام توسط وی محقق می‌شود و در دو مرحله حریم کعبه و حرمت خانه خدا درهم شکسته می‌شود.

#### 4. حریم کعبه می‌شکند

حریم کعبه و حرمت خانه خدا توسط ابن زبیر در دو مرحله درهم شکسته شد. مرحله اول در درگیری با لشکریان یزید(1)

و مرحله دوم در درگیری با حجاج بن یوسف ثقفی(2). در هر دو درگیری، ابن زبیر کعبه را برای حفظ جان خود سپر قرار داد و به آن پناهنده شد و نیروهای مقابل با منجنیق مسجدالحرام را هدف قرار دادند و با گلوله‌های آتشین کعبه را ویران کردند و لوازم آن را به آتش کشیدند.

#### 5. تفاوت از زمین تا آسمان است

آری ابن زبیر در ظاهر همانند حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَام مخالف یزید بود و از مدینه به قصد مبارزه با آن ملعون به مکه آمده بود، اما تفاوت او در نیت و هدف، با آن بزرگوار از زمین تا آسمان است. این که می‌بینیم، یکی برای حفظ خود کعبه را سپر و بلاگردان خویش می‌کند و دیگری خود و اهل و عیالش را سپر و بلاگردان کعبه، یکی اسلام را فدای شخصیت خویش می‌کند و دیگری خود را فدای اسلام، یکی به سوی خود می‌خواند و دیگری به سوی خدا و یکی میل ریاست دارد و دیگری مسئولیت رهبری؛ به همین خاطر است. این که ابن زبیر می‌خواهد کبوتر حرم شود و دوست دارد آن بزرگوار از حرم خارج شود؛ به خاطر تفاوت بنیادی بین این دو راه و دو حرکت است، گرچه در ظاهر هر دو مشابه یک دیگرند. همین تشابه است که افراد ساده اندیش و کوتاه بین را به اشتباه می‌اندازد.

ص: 78

---

1- - مروج الذهب، دارالهجره، ج 3، ص 71.

2- - الکامل فی التاریخ، دار الکتاب العربی، ج 3، ص 412.



دعوت عبیدالله بن حرّ جعفری توسط امام حسین

هنگامی که حضرت ابا عبدالله الحُسن بن علیّه السّلام با سپاه اندک خویش به منزل بنی مقاتل رسید، در آنجا خیمه ای توجّه اش را جلب کرد، پرسید: این خیمه از کیست؟ گفتند: عبیدالله بن حرّ جعفری، راهزن معروف عرب. آن بزرگوار حجّاج بن مسروق جعفری را به نزد او فرستاد. حجّاج به خیمه عبیدالله بن حرّ آمد، سلام کرد و گفت: ای فرزند حر! هدیه گران بها و ارمغان پر ارجی برای تو آورده ام و آن این که حضرت امام حسین علیّه السّلام تو را به یاری خود می طلبد، به او به پیوند تا به سعادت بزرگی نایل گردی.

عبیدالله بن حرّ جعفری گفت: به خدا سوگند! من از شهر کوفه بیرون نیامدم مگر این که اکثر مردم این شهر، خود را برای جنگ با او و سرکوبی شیعیانش آماده می کردند و برای من مسلم است که او در این جنگ کشته خواهد شد و من توانایی یاری و کمک او را ندارم و اصلاً دوست ندارم که او مرا ببیند و من او را.

حجاج بن مسروق به نزد امام علیّه السّلام بازگشت و پاسخ عبیدالله بن حرّ جعفری را به عرض وی رسانید در این هنگام خود امام با چند تن از اصحابش به نزد عبیدالله بن حرّ جعفری آمد و او از امام

استقبال نمود و خوشامد گفت و سپس حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام خطاب به وی چنین فرمود: يَا بَنَ الْحَرِّ! فَإِنَّ أَهْلَ مِصْرِكُمْ هَذِهِ كَتَبُوا إِلَيَّ وَ خَبَرُونِي أَنَّكُمْ مُجْتَمِعُونَ عَلَيَّ نُصْرَتِي، وَأَنْ يَقُومُوا دُونِي وَيُقَاتِلُوا عَدُوِّي، وَأَنَّكُمْ سَأَلُونِي الْقُدُومَ عَلَيْهِمْ، فَقَدِمْتُ؛ ای پسر حرّ! همشهریان تو این نامه ها را برایم نوشتند و خبر دادند که همگی بر یاری من متّفق شده اند و در کنار من ایستاده و با دشمنانم پیکار خواهند کرد. و از من خواستند که نزدشان بروم و من نیز آمدم.

وَأَسْتُ أَدْرِي الْقَوْمَ عَلَيَّ مَا زَعَمُوا، لِأَنَّكُمْ قَدْ أَعَانُوا عَلَيَّ قَتْلَ ابْنِ عَمِّي مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ وَ شِيعَتِهِ وَ أَجْمَعُوا عَلَيَّ ابْنَ مَرْجَانَةَ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ يُبَايِعُنِي لِيَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ؛ ولی گمان نمی کنم که آنان بر عهدشان پایدار بمانند، زیرا آنان بر کشتن پسر عمویم مسلم بن عقیل و یارانش همکار شدند و همگی با پسر مرجانه عبیدالله بن زیاد که از من می خواهد با یزید بیعت کنم، همراه شده اند.

وَأَنْتَ يَا بَنَ الْحَرِّ فَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُوَخِذُكَ بِمَا كَسَبْتَ وَ اسَلَفْتَ مِنَ الذُّنُوبِ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ، وَأَنَا أَدْعُوكَ فِي وَقْتِي هَذَا إِلَى تَوْبَةٍ تُغْسَلُ بِهَا مَا عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ أَدْعُوكَ إِلَى نُصْرَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ و تو ای پسر حرّ بدان! به یقین خداوند در برابر کارهایی که انجام داده ای و گناهایی که در ایام گذشته مرتکب شده ای، از تو بازخواست خواهد کرد، و من تو را به یاری خاندان اهل بیت فرا می خوانم باشد تا با آب توبه گناهانت را شستشو دهی.

فَإِنْ أُعْطِينَا حَقَّنَا حَمْدًا اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ وَ قَبْلِنَا، وَإِنْ مُنِعْنَا حَقَّنَا وَ رَكِبْنَا بِالظُّلْمِ كُنْتَ مِنْ أَعْوَانِي عَلَى طَلَبِ الْحَقِّ؛ اگر حقمان را به ما دادند خدا را بر آن شکر کرده و می پذیریم و اگر آن را از ما بازداشتند و به ظلم و ستم بر ما چیره شدند تو در طلب حق، از یاوران من خواهی بود و در هر دو صورت زبانی نخواهی دید.

عبداللہ بن حرّ جعفری گفت: به خدا سوگند! من می دانم که هر کس از فرمان تو پیروی کند، به سعادت و خوشبختی ابدی نایل شده است ولی من احتمال نمی دهم که یاری من، به حال تو سودی داشته باشد؛ زیرا در کوفه کسی را ندیدم که مصمم به یاری و پشتیبانی شما باشد و به خدا سوگندت می دهم که از این امر معافم بدار زیرا من از مرگ سخت گریزانم، ولی اینک اسب معروف خود را به حضورت تقدیم می کنم اسبی که تا حال به وسیله آن دشمنی را تعقیب نکرده ام جز این که به او رسیده ام و هیچ دشمنی با داشتن این اسب مرا تعقیب نموده است مگر اینکه از چنگال او نجات یافته ام.

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در پاسخ وی چنین فرمود: **أَمَّا إِذَا رَغِبْتَ بِنَفْسِكَ عَنَّا فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي فَرَسِكَ وَلَا فِيكَ "وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا" (1)؛**

حال که در راه ما از نثار جان امتناع می ورزی ما نیز نه به تو نیاز داریم و نه به اسب تو، زیرا "من از افراد گمراه برای خود کمک نمی گیرم".

آنگاه امام این جمله را نیز اضافه نمود: **وَإِنِّي أَنْصَحُكَ كَمَا نَصَحْتَنِي إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَسْمَعَ صُرَاخَنَا وَلَا تَشْهَدَ وَقَعَتَنَا فَافْعَلْ فَوَاللَّهِ لَا يَسْمَعُ وَاعِيَتَنَا أَحَدٌ وَلَا يَنْصُرُنَا إِلَّا أَكْبَهُ اللَّهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛** همان گونه که تو بر من نصیحت نمودی من نیز نصیحتی به تو می کنم، تا می توانی خود را به جای دوردستی برسان تا صدای استغاثه ما را نشنوی و جنگ ما را نبینی؛ زیرا به خدا سوگند! اگر صدای استغاثه ما به گوش کسی برسد و به یاری ما نشتابد خدا او را در آتش جهنم قرار خواهد داد.

در روایت دیگری آمده است که حضرت فرمود: **يَا بَنَ الْحُرِّ مَا جِئْنَاكَ لِفَرَسِكَ وَ سَيِّفِكَ، إِنَّمَا أَتَيْنَاكَ لِنَسْأَلَكَ النُّصْرَةَ، فَإِنْ كُنْتَ قَدْ بَخِلْتَ عَلَيْنَا بِنَفْسِكَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي شَيْءٍ مِنْ مَالِكَ؛** ای فرزند حرّ ما

ص: 81

به قصد اسب و شمشیرت نیامدیم، ما آمدیم تا از تو یاری بطلبیم. اگر از تقدیم جانت در راه ما دریغ می ورزی، هیچ نیازی به مالت نداریم.

قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقُولُ: مَنْ سَمِعَ دَاعِيَةَ أَهْلِ بَيْتِي، وَلَمْ يَنْصُرْهُمْ عَلَى حَقِّهِمْ إِلَّا أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ (1)؛ من از رسول خدا شنیدم که می فرمود: هر کس فریاد استغاثه اهل بیت مرا بشنود و به یاریشان نشتابد خداوند وی را به رو در آتش دوزخ اندازد.

### بازخوانی دعوت عبیدالله بن حرّ توسط امام حسین

1. رسالت رهبران الهی

رسالت انبیاء عظام و اوصیاء آنان هدایت و رهایی بخشی بندگان است و فرستادن پیک و حضور حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در چادر عبیدالله بن حرّ جعفری و اصرار بر دعوت وی، در همین راستا است.

2. دعوت نه درخواست

تمام تلاش حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در طول حرکت و قیام، همواره دعوت به صراط مستقیم بوده است و هرگز از دیگران درخواست کمک نکرده است و آن چه در برخورد با عبیدالله بن حرّ جعفری صورت گرفته است دعوت است نه درخواست کمک!

3. پاسخ ناشایست

پاسخ عبیدالله بن حرّ جعفری به اقدام حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام حکایت از ضعف درونی وی دارد که نتوانسته درک درستی

ص: 82

از دعوت آن بزرگوار داشته باشد، او همه چیز را از دریچه مادی دیده و دعوت به صراط مستقیم را، با درخواست کمک اشتباه گرفته است، لذا پاسخ نامربوط و ناشایست می دهد.

4. راه مقدس افراد مقدس می طلبد

جواب حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به عبیداللّه بن حرّ جعفی دو حقیقت را روشن می کند: یکی آن که هدف وسیله را توجیه نمی کند و دوم در راستای هدف مقدس از ابزار و افراد نامقدس استفاده نمی شود. به همین خاطر حضرت آیه 51 سوره کهف را شاهد می گیرد و بار د پیشنهاد وی مبنی بر کمک مادی؛ می فرماید: وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصُدًا؛ من از افراد گمراه برای خود کمک نمی گیرم.

5. چرایی اقدام دوگانه

شاید برخی تصور نمایند که دعوت عبیداللّه بن حرّ جعفی با اجازه بازگشت یاران در شب عاشورا، باهم همخوانی نداشته باشد! چرا که حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در جایی بر دعوت افراد، اصرار دارد و در جایی یاران را مرخص می نماید؟ در حالی که دو اقدام بر یک حقیقت استوار است اول دعوت به صراط مستقیم است و آنگاه که در سلگ یاران قرار گرفت برای تقویت ایمان و اعتقاد، یاران را بر استواری در صراط مستقیم امتحان می کند.

ص: 83

پذیرایی از لشکر حر توسط امام حسین علیه السلام

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام پس از ورود به منزل شراف دستور داد جوانان پیش از طلوع صبح به سوی فرات رفته و بیش از حد معمول و مورد نیاز آب برای خیمه ها حمل نمایند. قبل از ظهر همین روز و در میان گرمای شدید حر بن یزید در رأس هزار نیرو مسلح وارد این سرزمین گردید و چون حضرت شدت عطش و تشنگی توأم با خستگی و سنگینی سلاح و گرد و غبار راه را در سپاهیان حرّ مشاهده نمود، به یاران خویش دستور داد تا آنان را به همراه مرکب هایشان سیراب نمایند و بر مرکب هایشان آب پاشند.

یاران آن بزرگوار طبق دستور حضرت عمل نموده از یک طرف افراد را سیراب می کردند و از طرف دیگر آب جلوی مرکب هایشان می گذاشتند و از طرف دیگر به یال و کاکل و پاهای آنها آب می پاشیدند.

یکی از لشکریان حر به نام علی بن طعان محاربی می گوید: من بر اثر تشنگی و خستگی شدید دیرتر از سربازان و پشت سر لشکریان توانستم به منطقه شراف و محل اردوگاه سپاه وارد شوم، در آن هنگام چون همه سرگرم سیراب نمودن لشکریان بودند، کسی به من توجه نکرد، در این موقع مرد خوش رو و خوش خویی که از کنار خیمه ها متوجه من گردیده

بود و بعد من فهمیدم که آن بزرگوار حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام است؛ به یاریم شتافت و در حالی که مشک آبی با خود حمل می کرد؛ خود را به من رسانید.

وقتی حضرت به من رسید فرمود: اِنِّخِ الرَّاویة؛ شترت را بخوابان، و من که با لغت حجاز آشنایی نداشتم؛ منظور آن بزرگوار را نفهمیدم و حضرت به زبان عراقی فرمود: اِنِّخِ الْجَمَل؛ شتر را بخوابان، و من مرکب را خواباندم و مشغول خوردن آب گردیدم ولی در اثر تشنگی شدید و دست پاچگی، آب به سر و صورتم می ریخت و نمی توانستم به راحتی آب بخورم. در این هنگام آن بزرگوار فرمود: اِخْنِثِ السَّقَاء؛ مشک را فشار بده، و من باز هم منظور حضرت را نفهمیدم. آن گاه آن بزرگوار با یک دست دهانه ی مشک را به دست گرفت و با دست دیگر مشک را فشار داد تا من به راحتی آب بنوشم و بدون زحمت سیراب شوم(1).

### بازخوانی اقدام امام حسین در پذیرایی از لشکر حر

#### 1. کرامت و بزرگواری

پذیرایی لشکر حر توسط حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام از کرامت و بزرگواری آن حضرت حکایت دارد. همان گونه که این کرامت و بزرگواری در طول حرکت و در تمامی حرکات و سکنات آن بزرگوار به وضوح روشن و واضح است. اگر آن بزرگوار تن به بیعت با یزید ملعون نمی دهد، و اگر برای خروج از مدینه ی منوره از بیراهه نمی رود و اگر برای حفظ حرمت کعبه در پناه مکه نمی ماند و اگر در ابتدای مواجهه با لشکر حر فرمان جنگ نمی دهد و اگر در روز عاشورا شروع کننده جنگ نمی شود؛ همه بخاطر کرامت و بزرگواری حضرت است.

ص: 85

## 2. شعارهای کرامت و بزرگواری

تمام شعارهای حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام برگرفته از کرامت و بزرگواری است. آن جایی که می فرماید: مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ مردن با عزت از زندگی با ذلت بهتر است. یا آن جایی که می فرماید: الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ زُكُوبِ الْعَارِ(1)؛

مرگ از تحمل کردن ننگ بهتر است. یا آن جایی که می فرماید: هَيْهَاتَ مَيَّا الدِّلَّةُ(2)؛

محال است تَن به ذلّت دهیم (ما کجا و خاروی و ذلت کجا). یا آن جایی که می فرماید: إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا(3)؛ به تحقیق من مرگ را جز سعادت و زندگی در کنار ستمگران را جز عار و ننگ نمی بینم. همه ی این شعارها حکایت از کرامت و بزرگواری آن بزرگوار دارد.

## 3. دین کرامت و بزرگواری

دین مبین اسلام دین کرامت و بزرگواری است. تمام دستورات دین بر اساس کرامت و بزرگواری است. کرامت و بزرگواری از ایمان و اعتقاد سرچشمه می گیرد. بر این اساس خداوند تبارک و تعالی در سوره منافقون می فرماید: وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ(4)؛ عزت مخصوص خدا و رسول و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند. چون ایمان به خدا است که انسان را کریم و بزرگوار می کند.

ص: 86

1- بحار الانوار، ط الوفاء، ج 44، ص 192.

2- همان/ ج 45، ص 83

3- همان/ ج 44، ص 192.

4- سوره منافقون آیه 8.



کرامت و بزرگواری زیر بنای گفتار و رفتار انسان ها است. در سایه ی کرامت و بزرگواری است که انسان دارای رفتار پسندیده و گفتار شایسته می شود. همه ی بدبختی بشر به خاطر نداشتن خوی کرامت و بزرگواری است. کرامت و بزرگواری برگرفته از ایمان است که جلوی انسان را می گیرد که دست به هر کاری نزند. کسی که از کرامت و بزرگواری برخوردار نباشد دست به هر کاری می زند. کار زشت و ناپسند از کسانی سر می زند که از کرامت و بزرگواری بی بهره اند. بر این اساس حضرت امام هادی عَلَیْهِ السَّلَام می فرماید: مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّةً (1)؛ هرگز از شر آدم های پست خود را در امان مدار که دست به هر کاری می زنند.

#### 5. خباثت و پستی

گر چه پذیرایی حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَام از لشکر حر، حکایت از کرامت و بزرگواری آن حضرت دارد؛ اما در مقابل خباثت و پستی یزیدیان در صحنه ی دلخراش کربلا را نمایان ساخت آن گاه که آب را بر روی خاندان عصمت و طهارت بستند؛ با آن که حضرت با کرامت و بزرگواری، در آن صحرای سوزان با آب از آنان پذیرایی نمود اما آنان با خباثت تمام، آن پذیرایی را با بستن آب تلافی کردند.

از آب هم مضایقه کردند کوفیان \* خوش داشتند حرمت میهمان کربلا

بودند دیو و دد همه سیراب می مکید \* خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا

زان تشنگان هنوز به عیوق می رسد \* فریاد العطش ز بیابان کربلا (2)

ص: 87

---

1- همان/ ج78، ص365.

2- محتشم کاشانی

حرکت هوشمنانه ی امام حسین در عصر ناسوعا

بنا به نقل طبری عصر پنج شنبه نهم محرم عمر سعد فرمان حمله داد و لشکر به حرکت درآمد حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در آن ساعت در بیرون خیمه به شمشیرش تکیه نموده، خواب خفیفی بر چشمانش مستولی شده بود.

زینب کبری علیها السلام وقتی سر و صدای لشکر عمر سعد را شنید و جنب و جوش آنها را دید؛ به نزد حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام آمد و عرضه داشت: برادر! اینک دشمن به خیمه ها نزدیک شده است.

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام سر از شمشیر برداشت و ابتدا فرمود: اِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَنَامِ فَقَالَ لِي إِنَّكَ صَائِرٌ إِلَيْنَا عَنْ قَرِيبٍ؛ جدم رسول خدا را در خواب دیدم که به من فرمود فرزندم به زودی به نزد ما خواهدی آمد. سپس برادرش حضرت ابوالفضل علیه السلام را خواند و فرمود: اِذْكَبَ بِنَفْسِي يَا أَخِي حَتَّى تَلْقَاهُمْ فَتَقُولَ لَهُمْ مَا لَكُمْ وَمَا بَدَاءَ لَكُمْ وَتَسْأَلُهُمْ عَمَّا جَاءَ بِهِمْ؛ جانم به قربانت، سوار شو و با آنها ملاقات کن و انگیزه و هدف آنان را بپرس.

طبق فرمان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت ابوالفضل با بیست تن که زهیر بن قین و حبیب بن مظاهر نیز در میان آنان بودند، به سوی دشمن حرکت نموده و در مقابل آنان قرار گرفت و انگیزه‌ی حرکتشان را سؤال نمود.

لشکریان عمر سعد در جواب گفتند: اینک از سوی امیر ابن زیاد حکم تازه‌ای رسیده است که باید شما بیعت کنید و الا همین الان وارد جنگ خواهیم شد.

حضرت ابوالفضل به سوی حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام برگشت و انگیزه‌ی آنان را به عرض آن بزرگوار رسانید و حضرت در پاسخ وی چنین فرمود: *إِذْ جَعَلَ إِلَيْهِمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَىٰ عُذْوَةٍ وَتَدْفَعَهُمْ عَنِ الْعَشِيَّةِ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرَهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالْأَسْتِغْفَارِ؛* به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی کار آنان را به فردا موکول کن تا ما امشب را به نماز و استغفار و مناجات با پروردگاران پردازیم؛ زیرا خدا می‌داند که من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه‌ی شدید دارم.

حضرت ابوالفضل برگشت و از آنها خواست تا کار خود را یک شب به تأخیر اندازند. عمر سعد چون در قبول این پیشنهاد مردد بود موضوع را با فرماندهان لشکر مطرح و نظر آنان را جویا گردید. یکی از فرماندهان به نام عمرو بن حجاج گفت: سبحان الله! اگر اینها از ترک و دیلم بودند و چنین مهلتی را از تو درخواست می‌کردند بایستی به آنان جواب مثبت می‌دادی در صورتی که اینها فرزندان پیامبر هستند. قیس بن اشعث یکی دیگر از فرماندهان گفت: به عقیده‌ی من هم باید به این درخواست حسین جواب مثبت داد؛ زیرا این درخواست وی نه برای عقب نشینی آنها از جبهه و نه برای تجدید نظر است بلکه به خدا سوگند! فردا این‌ها پیش از تو به جنگ شروع خواهند نمود.

پس از گفتگوی زیاد، عمر سعد به حضرت ابوالفضل این چنین پاسخ داد: ما امشب را به شما مهلت می دهیم اگر تسلیم شدید و به فرمان امیر گردن نهادید، به نزد او می رویم و اگر امتناع کردید ما هم شما را به حال خود باقی نخواهیم گذاشت و جنگ است که سرنوشت شما را تعیین خواهد نمود و بدین گونه عمر سعد با پیشنهاد حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام موافقت کرد و اقدام خود را یک شب به تأخیر انداخت (1).

## رمز گشائی حرکت هوشمندانه ی امام حسین

### 1. ایجاد آمادگی

به یقین حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام برای خواندن نماز و قرآن و دعا و مناجات عقب افتادگی نداشت که بخواهد در این ساعات آخر جبران کند. آن بزرگوار می خواست زمینه را برای غوغای فردا، آماده کند.

### 2. جلوگیری از آسیب ها

رزمنده ی جهادگر و مجاهد فی سبیل الله در شرایط سخت نبرد از سه ناحیه ممکن است آسیب ببیند: یکی از ناحیه ی اراده، ممکن است سست شود و یکی از ناحیه ی هدف، ممکن است منحرف شود و یکی از ناحیه ی نتیجه، ممکن است شکست بخورد و حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چاره جوئی کرد و تمام این نگرانی ها را با برنامه ی شب عاشورا برطرف ساخت، چرا که سنت الهی بر این تعلق گرفته است که ارتباط با خالق هستی راه گشای شرایط سخت و طاقت فرسا است.

ص: 90

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ با حرکت هوشمندانه ی خود، می خواهد به ما بفهماند که رزمنده ی جهادگر و مجاهد فی سبیل الله اگر بخواهد در میدان نبرد سست نشود و اگر بخواهد از هدف عالی خود منحرف نشود و اگر بخواهد در مبارزه خود پیروز شود؛ باید ارتباط خود را با خداوند تبارک و تعالی را تقویت کند. خداوند در سوره ی بقره می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (1)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز مدد جوئید که خدا با شکیبایان است. منظور از معیت خداوند یعنی دست قدرت خداوند با کسانی است که از نماز و شکیبایی کمک بگیرند و چون خداوند عزیز و شکست ناپذیر است، معیت و همراهی او پیروزی و شکست ناپذیری را به ارمغان می آورد. همان گونه که خداوند در سوره ی بقره می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (2)؛ بر آنان که گفتند: پروردگار ما الله است و پایداری ورزیدند، فرشتگان فرود می آیند که مترسید و غمگین مباشید، شما را به بهشتی که به شما وعده داده شده بشارت است.

2. اقدامی برگرفته از قرآن کریم

آن چه حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در حرکت هوشمندانه انجام داد، برگرفته از قرآن کریم است. خداوند تبارک و تعالی در سوره ی بقره از زبان لشکریان خداپرست طالوت در معرکه ی نبرد نقل می کند که گفتند: رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَكَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا

ص: 91

1- - سوره بقره آیه 153

2- - سوره فصلت آیه 30

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ(1)؛ پروردگارا، بر دل های ما شکیبایی فرو آر و گام های ما را استوار ساز و ما را بر گروه کافران پیروز فرما. یا اصحاب کهف در هنگام قیام بر علیه طاغوت زمان دست به دعا برداشتند و گفتند: رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا(2)؛

پروردگار ما! از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان.

## 5. رمز موفقیت

آن چه حضرت ابا عبدالله الحُسنین علیه السَّلام در حرکت هوشمندانه انجام داد، رمز موفقیت بشر بوده و هست، تجلی گاه و شاه بیت آن نماز است، بخاطر همین است که امام باقر علیه السَّلام می فرماید: **أَوَّلَ مَا يَحَاسِبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا(3)؛**

نخستین چیزی که از بنده بازخواست می شود، نماز است. پس اگر پذیرفته شد، بقیه ی اعمال هم پذیرفته می شود

از این رو در زیارت حضرت ابا عبدالله الحُسنین علیه السَّلام در بین تمام صفات برجسته ی آن بزرگوار تنها عنوانی که بیش از همه نمایان است، اقامه ی نماز است و ما در زیارت آن بزرگوار می گوئیم: **أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ(4)؛**

شهادت می دهم که تو نماز را اقامه کردی.

## 6. شهید حججی

به یقین ارتباط عمیق با خالق هستی و توسل قلبی به خداوند خاصه در شب عملیات، رزمندگان اسلام را خط شکن کرد و پیروز نمود، نه شعار ای ایران ای مرز پرگهر! آن چه شهید حججی را هنگام مثله

ص: 92

---

1-- سورة بقره آیه 250

2-- کهف/ 10

3-- بحار الانوار، ط الوفاء، ج 83، ص 20.

4-- کامل الزیارات، ط مکتبه الصدوق، ج 1، ص 228.

شدن، نگه داشت، به یقین نماز بوده است، او قبل از آن که یک شهید باشد یک انسان مرتبط با خدا بود و ارتباط با خالق هستی این مقام را برای او فراهم کرد و شهادت نتیجه ی آن بود.

#### 7. برکات ارتباط با خالق هستی (1)

ارتباط عمیق با خالق هستی برای رزمنده ی جهادگر و مجاهد فی سبیل الله، برکات زیادی دارد. یکی از برکات ارتباط عمیق با خالق هستی، تضمین استحکام است. ارتباط عمیق با خالق هستی، تضمین کننده ی استحکام و اقتدار نیروهایی است که می خواهند حماسه بیافرینند و می خواهند همیشه در مقابل ظلم و ستم مبارزه کنند. ارتباط عمیق با خالق هستی، نیروها را محکم و استوار کرده و سستی در میدان نبرد را از آنان دور می کند.

یکی دیگر از برکات حفظ از انحراف است. توسل قلبی به خداوند، رزمنده ی جهادگر و مجاهد فی سبیل الله را در مسیر حق و حقیقت و در مسیر هدف عالی خود حفظ می کند و از انحراف باز می دارد.

یکی دیگر از برکات جلوگیری از شکست است. ارتباط عمیق با خالق هستی، رزمنده ی جهادگر و مجاهد فی سبیل الله را از شکست و آسیب پذیری در مقابل دشمن حفظ می کند.

#### 8. برکات ارتباط با خالق هستی (2)

به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی ارتباط عمیق با خالق هستی و توسل قلبی رزمنده ی جهادگر و مجاهد فی سبیل الله به خداوند تبارک و تعالی؛ جهاد را پیروز، شهادت را با عظمت، نهضت را پرثمر، قیام را اثرگذار و مبارزه را ماندگار می کند.

پیروزی در جهاد، مخلوق معنویت و عرفان است، شکوه و عظمت شهادت، آفریده‌ی توسل و فناء فی الله است و اثرگذار و ماندگاری نهضت و قیام ثمره‌ی محو در معشوق شدن است.

آن چه ماجرای عاشورا را با عظمت، پُرشکوه، ماندگار و اثرگذار کرده است؛ همین ارتباط عمیق با خالق هستی، توسل قلبی به خداوند، معنویت و عرفان، توسل و فناء فی الله و محو در معشوق شدن است (1).

### 9. برکات ارتباط با خالق هستی (3)

هرچه عرفان و معنویت قوی تر و عمیق تر باشد جهاد در مقابل دشمنان کارسازتر و شهادت در راه خدا پر ثمرتر است، عظمت و شکوه نهضت، نه به خاطر مظلومیت یا چکاچک شمشیرهاست، بلکه به خاطر بعد معنوی قیام است، به خاطر ارتباط حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام و یاران آن بزرگوار با خالق هستی است.

### 10. پیام حرکت هوشمندانه

حرکت هوشمندانه‌ی حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در توجه و توسل و ارتباط قلبی با خالق هستی یک پیام دارد و آن عبارت است از: هر چه درگیری بیشتر، مبارزه نفس گیرتر، باید دعا، مناجات و ارتباط با خالق هستی بیشتر و عمیق تر باشد، بیشترین و معروفترین دعاها از سه امامی است که هر سه درگیر مبارزات بزرگ مدت عمر خودشان بوده اند، دعای کمیل، دعای عرفه، دعای ابو حمزه و صحیفه‌ی سجاده.

ص: 94



بر همین اساس حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ از ابتدای نهضت تا انتهای نهضت این ارتباط با خالق هستی را حفظ کرد و به همگان آن را نشان داد. آن بزرگوار نهضت را با مناجات با حضرت حق در مسجد النبی آغاز کرد و در شب عاشورا آن را نمایان ساخت و در گودی قتلگاه آن را امضا نمود.

## 12. عمومیت پیام

حرکت هوشمندانه ی حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فقط برای صحنه ی نبرد نیست، در تمامی سختی ها و در تمام مشکلات فردی و اجتماعی است. در شرایط سخت و طاقت فرسا باید روی ارتباط با خالق هستی حساب کرد و شاه بیت آن نماز است. باید به نماز تکیه کرد و باید دست به دامن نماز شد، سختی ها و مشکلات با تکیه بر معنویت مرتفع می شود. خداوند در این باره می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز مدد جوئید که خدا با شکیبایان است. تکیه بر هر چیز دیگر آدرس غلطی است که جامعه را گرفتار می کند.

## 13. آدرس های غلط

نمونه هایی که آدرس غلط داده شده و نه تنها مشکلی حل نشده است بلکه گرفتاری ها افزوده شده است بسیار است که به بخشی از آن اشاره می شود.

آیا راه اندازی مراکز آموزشی و پرورشی توانسته است جوانان را تربیت کند؟ یا آن که فقط برای افراد یک مدرک بی ارزش به ارمغان آورده است؟

ص: 95

آیا تحصیل و پیمودن مدارج عالی علمی، توانست معضل یا مشکلی از جامعه حل کند؟ یا انبوه مهندس و دکتر بیکار به جامعه تحمیل کرده که به یکی از معضلات جامعه تبدیل شده است؟

آیا ساخت بیمارستان ها و مراکز پیشرفته ی بهداشت و درمان، توانسته است سلامت جامعه را تأمین کند؟ یا عمده ی افراد، از بیماری هایی مانند کلسترل بالا، دیابت، فشار خون و بیماری های قلبی عروقی و اعصاب و روان رنج می برند؟ و هر روز آمار مبتلایان به بیماری های مذمن بیشتر شده است؟

آیا راه اندازی کارگاه ها و کارخانه های عظیم تولیدی توانست معضل بیکاری را حل کند؟ یا هر روز شاهد تعطیلی یکی پس از دیگری آن ها هستیم؟

آیا تقنین این همه قانون توانست کشور را قانونمند کند؟ یا بی قانونی و هرج و مرج رفتاری، بلای خانمان سوز جامعه شده است؟

آیا ساخت سالن ها و میدان های ورزشی و راه اندازی ورزش های متنوع، نشاط و شادابی برای جامعه و خاصه جوانان به ارمغان آورده است؟ یا ورزش حرفه ای به بد اخلاقی، درگیری و به هدر دادن سرمایه های کلان منتهی شده است؟

آیا جُنگ های متنوع و برنامه های شاد توانست آرامش و شادابی را به ارمغان آورد؟ یا بر افسردگی، لودگی و ناهنجارهای اخلاقی افزوده است؟

آیا تأسیس بانک ها و مراکز اقتصادی توانسته است اقتصاد کشور را سامان دهد؟ یا وضعیت اقتصادی هر روز بدتر از دیروز شده است؟

آیا توسعه ی فیزیکی قضائی و انتظامی، توانست امنیت و آرامش را برای جامعه به ارمغان آورد؟ یا جرم، بزهکاری و فساد افزایش یافته است؟

آیا ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی توانست اقتصاد را درمان کند؟ یا رشوه، اختلاس، قاچاق و دزدی های میلیاردی هر روز بیشتر شده است؟

آیا ستاد مبارزه با مواد مخدر توانست قاچاق بی رویه ی مواد مخدر را ریشه کن کند؟ یا هر روز بر آمار معتادان افزوده شده است؟ و میانگین سنی مصرف کنندگان به نوجوانان رسیده است؟

آیا ولع و عطش برای جمع مال و ثروت، توانسته است بی نیازی آورد؟ آیا ولع و عطش برای زندگی تجملی، توانسته است راحتی و آرامش بیاورد؟

در مسائل اقتصادی، بهداشت و سلامت، مبارزه با مفاسد و اعتیاد و جرم زدائی، جوانان، خانه و خانواده چه مقدار هزینه شده است؟ چه مقدار نتیجه داده است؟ چرا هر چه بیشتر هزینه می شود، کمتر نتیجه می دهد؟ چرا هر چه تلاش بیشتر می شود از مسیر دورتر می شویم؟ نه تنها ناهنجاری ها حل نمی شود؛ بلکه هر روز بر آن افزوده می شود! چرا با این همه مسجد و حسینیه و مناسبت ها و سوژه های ارزشی، باز شاهد لت و پار شدن جوانانمان هستیم؟

باید قبول کنیم که خوب عمل نکردیم، باید قبول کنیم که راه را اشتباه رفتیم، باید قبول کنیم که آدرس غلط به ما دادند، باید قبول کرد که روش نادرست است و باید قبول کرد که در راه، در روش، در عملکرد، در کمیت، در کیفیت، اشتباه کردیم.

به دلیل جهانی شدن، جهانی فکر کردن، تعامل با جهان، تطبیق استانداردهای جهانی توسعه و هزاران ایده ی باطل، از ارتباط با خالق هستی که تبلور و شاه بیت آن نماز است و دوا ی دردها و چاره ی همه مشکلات و سختی ها است، فاصله گرفتیم و در عوض دنبال روی کسانی

شدیم که خودشان در منجلاب فرو رفته و برای نجات خود دست و پا می زنند و ما نسخه ی مردود شده آنان را نشخوار می کنیم.

#### 14. چاره اندیشی

آن چه از حرکت هوشمندانه ی حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام فهمیده می شود این است که باید به جای عمل به نسخه های پیشرفت و توسعه ی بیگانه، از نسخه های قرآنی بهره می گرفتیم، باید مشکلات فردی و اجتماعی را با تکیه بر قرآن و آموزه های دینی حل می کردیم.

اقتصاد اسلامی را با فرمول های بانک جهانی نمی شود سامان دهی کرد، ناهنجاری های اقتصادی را با اقتصاد منهای قرآن نمی شود مرتفع کرد، ناهنجاری های اجتماعی را با راهکارهای غیر قرآنی نمی شود برطرف کرد، جُنْگ و برنامه های متنوع مغایر با دین، نمی تواند برای جامعه آرامش و شادابی به ارمغان آورد.

باید قبول کرد که در آموزش و پرورش، در تعلیم و تربیت، در تبلیغ و ترویج، در خانه و خانواده، در کلاس درس و دانشگاه، در فرهنگ و دین داری، در مدیریت و مسئولیت، در توسعه و پیشرفت، در تجارت و صنعت، در کار و تولید، در صادرات و واردات، در مصرف و استفاده از امکانات، در فیلم سازی، در برنامه ریزی، در مبارزه با مفاسد و ناهنجاری ها و ... باید از نماز کمک گرفت.

گرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توجه به نماز، روند صعودی خوبی پیدا کرد، اما با وجود تمام تلاش ها و کوشش ها، نماز و ارتباط با خالق هستی در جامعه جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است و قرآن کریم، به عنوان نسخه ی نجات بخش بشری و بزرگترین دستور العمل زندگی مادی و معنوی، کمتر مورد مراجعه و استفاده قرار گرفته است و از علوم سرشار و مواعظ حکیمانه ی آن، که هدایت و رشد

پویندگان آن را به عهده دارد و آن‌ها را به سرمنزل سعادت و کمال ابدی رهنمون می‌سازد؛ کمتر بهره برده شده است و هنوز جنبه‌های فردی و اجتماعی این سفره گسترده الهی در جامعه‌ی اسلامی محجور و پوشیده است و ما به معنی واقعی نتوانستیم از این مآذبه‌ی الهی به درستی استفاده کنیم و آموزه‌های آن را آویزه‌ی گوش نماییم.

## 15. نیاز واقعی جامعه

کسی نمی‌گوید جامعه به بانک یا سالن ورزش یا و میدان ورزش یا بیمارستان یا چه و چه نیاز ندارد، اتفاقاً نیاز دارد به خوب و مجهز آن هم نیاز دارد و در این زمینه هر چه مسئولین کوشش کنند مردم لایق آن هستند؛ بلکه سخن ما به این معنا است که این مقوله‌ها سخت افزار است و نمی‌تواند جای نرم افزار را بگیرد، نمی‌تواند جای مراکز تربیتی و معنوی را بگیرد. با این مقوله‌ها، پیشرفت و توسعه‌ی واقعی حاصل نمی‌کند، هنجار تولید نمی‌شود، چرا که بعضی از این موارد یا خود ناهنجار هستند یا تولید ناهنجاری می‌کنند، با ناهنجاری و رفتارهای غلط نمی‌شود جامعه را اصلاح کرد، با کجی نمی‌شود به راستی رسید، با باطل نمی‌شود به حق رسید. اقتصاد سالم، سلامت و امنیت پایدار و آرامش واقعی در سایه‌ی ارتباط با خالق هستی است. **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (1)**؛ تا معنویت و ارتباط با خدا جایگاه خود را پیدا نکند، این گونه توسعه‌ها اثر بخش نخواهد بود. اگر نگرانی ختم بخیر شدن هستیم و اگر نگران آینده‌ی فرزندان خود هستیم و اگر هزاران نگرانی دیگر داریم؛ باید با نماز و معنویت آن‌ها را برطرف نماییم.

آن مقدار که برای زندان‌ها و آسایشگاه‌ها و تقاهت‌گاه‌ها هزینه شده است؛ اگر یک صدم آن برای عوامل ایجاد و اثباتی هزینه شده بود و آن مقدار که قاضی و مأمور و زندان بان آموزش داده شده است

ص: 99

یک صدم آن برای آموزش عوامل خدمتگزار مراکز مذهبی داده شده بود؛ به یقین بهتر و بیشتر نتیجه گرفته بودیم. اگر برای اداره ی شایسته ی مساجد و مراکز مذهبی، کارگزاران لایق و خیره آموزش داده بودیم، بهتر نتیجه گرفته بودیم. مگر مشخصه ی مؤمنان این نیست که وقتی به حکومت رسیدند، باید نماز را اقامه کنند: الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ (1)؛

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و این به این معنی است که اداره ی حکومت و پایداری آن به نماز است و اگر چنین می شد؛ دیگر مساجدمان بی رونق نبود، از جوانان خالی نبود، جوانان مان برای حضور در برنامه های مساجد، با عشق و علاقه، گوی سبقت را از یکدیگر می ربودند و هنجار آفرین می شدند.

امید که بتوانیم با ارتباط با خالق هستی، زندگی شرافتمندانه ی خود را تضمین کنیم و با زنده نگه داشتن یاد و نام و حماسه ی سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام و زمینه ی ظهور مصلح جهانی را فراهم نماییم. آمین یا رب العالمین.

ص: 100

## سفارش امام حسین علیه السلام به زینب کبری

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام در واقعه ی کربلا در میان صدها سفارش، دو سفارش و دو توصیه به حضرت زینب کبری سلام الله علیها دارد در یکی می فرماید: یا أُخْتِی لَا تَسْئِیْنِی فِی نَافِلَةِ اللَّیْلِ (1)؛ خواهرم مرا در نماز شب فراموش نکن و در دیگری می فرماید: لَا تَقُولُوا بِالسِّنِّتِکُمْ مَا یُنْقُصُ عَنْ قَدْرِکُمْ (2)؛ سخنی بر زبان نرانید که از ارزش شما بکاهد.

## بازخوانی سفارش امام حسین به زینب کبری

1. دو فرمان

دو توصیه و دو سفارش حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام به حضرت زینب کبری سلام الله علیها در حقیقت دو درخواست و به عبارت بهتر دو فرمان و دو دستور است به زینب کبری که یک دنیا مطلب دارد.

ص: 101

---

1- - زینب الکبری (سلام الله علیه)، مکتبه المفید، ج 1، ص 62.

2- - مقتل الحسین (علیه السلام)، البعثه، ج 1، ص 276.

## 2. تمام حقیقت قیام

این دو فرمان و این دو دستور، در بردارنده ی تمام حقیقت قیام و نهضت حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام است و آن هدفی که آن بزرگوار در حرکت و قیامش در نظر داشت در این دو دستور نهفته است و از آن بالاتر، این دو دستور تمام حقیقت دین است. یکی خدایی بودن و توحید و دیگری شایستگی و بزرگواری و در پی مکارم اخلاق بودن است.

## 3. فرمان و دستور اول

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در فرمان و دستور اول از حضرت زینب کبری می خواهد تا او را در نماز شب فراموش نکند: یا أُخْتِي لَا تَنْسِيَنِي فِي نَافِلَةِ اللَّيْلِ. حضرت امام اقامه ی نماز شب در آن شرائط طاقت فرسا توسط زینب کبری را مفروض گرفته است و به آن سفارش نمی کند، بلکه توصیه ی امام به فراموش نکردن وی در نماز شب است.

## 4. وظیفه ی سنگین و رسالت بزرگ

ام المصائب حضرت زینب کبری یک وظیفه ی سنگین و یک رسالت بزرگ بر دوش دارد. وظیفه ی سنگین آن بزرگوار، صبوری و استقامت در برابر مصائب دلخراش روز عاشورا و مصائب دردناک اسارت خاندان عصمت و طهارت است و رسالت بزرگ آن بزرگوار، رساندن پیام عاشورا برای پیروزی خون بر شمشیر است. و ارتباط با خالق هستی، تضمین کننده ی موفقیت زینب کبری در این وظیفه ی سنگین، در این مأموریت طاقت فرسا و در این رسالت بزرگ است.



## 5. ارتباط با خدا از مسیر امامت

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در فرمان و دستورش مبنی بر فراموش نکردن وی در نماز شب می خواهد به زینب کبری بفهماند که ارتباط با خالق هستی، از مسیر امامت و ولایت، است که موفقیت وی را در این وظیفه ی سنگین و در این مأموریت طاقت فرسا رقم می زند.

## 6. کسب شایستگی

آری شایستگی لازم برای مبارزه را باید با ارتباط با خالق هستی و راز و نیاز آن هم در دل شب کسب نمود. آری ارتباط عمیق با خالق هستی، توسط ل قلبی به خداوند تبارک و تعالی تضمین کننده ی موفقیت در وظیفه و پیروزی در مأموریت است. ارتباط با خالق هستی تضمین کننده ی استحکام و اقتدار نیروهایی است که می خواهند حماسه بیافرینند، این ارتباط هرچه قوی تر و عمیق تر باشد جهاد در مقابل دشمنان کارسازتر و شهادت در راه خدا پر ثمرتر خواهد بود.

## 7. اساسی ترین راه عزاداری

یکی از اساسی ترین راه های زنده نگه داشتن یاد و خاطره ی سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام و یکی از اساسی ترین راه های عزاداری؛ همین ارتباط با خالق هستی است. بزرگ ترین عزادار حضرت امام حسین، حضرت امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام است که بیشترین دعا از آن بزرگوار وارد شده است.

## 8. عزادار واقعی

عزادار واقعی حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام، یک انسان به تمام معنا معنوی است و با راز و نیاز با حضرت حق، خاصه در دل

شب جایگاه معنوی خود را ارتقا می بخشد و شایستگی لازم را در خود بوجود می آورد و در مجالس عزا از ارتباط با خالق هستی غافل نمی شود.

علاقه مندان می توانند با مطالعه "بخش شانزدهم"، بیشتر با چرایی و رمز و راز فرمان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام به حضرت زینب کبری سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا آشنا شوند.

#### 9. فرمان و دستور دوم

حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در فرمان و دستور دوم از حضرت زینب کبری می خواهد تا سخنی بر زبان نراند که از ارزش آن بزرگوار کاسته شود: لَا تَقُولُوا بِاللَّيْلِ نَبِيِّكُمْ مَا يَنْقُصُ عَنْ قَدْرِكُمْ. حضرت امام با این فرمان حضرت زینب کبری را برای روزهای سخت پیش روی آماده می کند.

#### 10. سخنان سدید و سنجیده

رساندن پیام عاشورا و پیروزی خون بر شمشیر، نیاز به سخنان و حرکات سدید و سنجیده دارد، آن چه انتقال پیام عاشورا و پیروزی نهضت را تضمین می کند؛ عمل سنجیده است. در این مسیر هر سخنی نباید گفت، هر حرکتی نباید کرد، هر رفتاری را نباید انجام داد.

## 11. فرمان و دستور عمومی

فرمان و دستور حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نه اختصاص به سخن و نه اختصاص به زینب کبری دارد. هر کسی که می خواهد عزادار واقعی حضرت امام حسین باشد، هر کسی که می خواهد نام و یاد سید و سالار شهیدان را زنده نگه دارد، هر کسی که می خواهد راه حضرت امام حسین را ادامه دهد و هر کسی که می خواهد با ظلم و ستم مبارزه کند باید سنجیده عمل کند تا موفق شود.

## 12. دوری از وهن و طعن شیعه

عزادار واقعی باید شأن و منزلت خود و مجلس و مراسم سوگواری را به شایستگی رعایت کند و از آن چه وهن اسلام و طعن شیعه است دوری کند. مگر ممکن است برای بزرگداشت رهبری که از پیام رسان نهضتش می خواهد کاری نکند که قدر و منزلتش کاسته شود؛ دست به هر کاری زد؟!

## 13. حفظ شأن و منزلت

باید در تمامی برنامه های عزاداری، از سخت افزار تا نرم افزار، از محتوا تا جایگاه، از منبر تا مداحی، از زمان و مکان تا شکل و صحنه، از استفاده ی تمثال و آلات سوگواری تا راه اندازی دسته ها، از دعوت عزاداران تا پذیرائی و حتی پارک خودرو و بهداشت محیط، باید شأن عزادار و شأن مجلس سرور و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حفظ شود.

## 14. برگزاری شایسته ی مراسم عزاداری

زنده نگه داشتن یاد و خاطره ی سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در گرو برگزاری شایسته ی مراسم و مجالس عزاداری و سوگواری است و برگزاری شایسته ی مراسم و

مجالس عزاداری و سوگواری به رعایت شایسته ی آداب و شرائط، حدود و ثغور عزاداری بستگی دارد.

15. مستند، محتوایی، شایسته

مراسم و مجالس عزاداری و سوگواری باید مستند، محتوایی، شایسته، صحیح، دقیق، فراگیر، همگانی، پرشور، با پذیرائی وزین، با آداب و شرائط، با حدود و ثغور و با نظر کارشناسانِ آزموده برگزار شود تا شرکت کننده تعبدش نسبت به دین، التزامش نسبت به وظائف دینی، تبعیت پذیریش نسبت به رهبران دینی بیشتر شود و اسلام گسترش یابد، دین تقویت شود و از آفت، آسیب، انحراف و دشمنی حفظ گردد.

16. منشور اخلاقی مراسم عزاداری

توجه به آداب و شرائط، حدود و ثغور مراسم و مجالس عزاداری و سوگواری با عنوان منشور اخلاقی مراسم و مجالس عزاداری و سوگواری برای هر عزادار و برگزار کنندگان لازم و ضروری است علاقمندان برای بهره مندی بیشتر از رمز و راز فرمان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام و ملاحظه ی منشور اخلاقی مراسم و مجالس عزاداری و سوگواری را به مقاله ای در همین موضوع ارجاع می دهیم.

علاقمندان برای بهره مندی بیشتر از رمز و راز فرمان حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و ملاحظه ی منشور اخلاقی مراسم و مجالس عزاداری و سوگواری به کتاب "منشور اخلاقی عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام" از مؤلف مراجعه فرمایند.

ص: 106

منشور جهانی آزادی امام حسین علیه السلام

آن گاه که همه ی یاران و اصحاب و هفده تن از بنی هاشم همه به دست اشقیاء به شهادت رسیدند؛ حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام خود به میدان رفت و در هر حمله ی گروهی از دشمن را به خاک و خون می کشید، در این هنگام عمر سعد ملعون فریاد برآورد: آیا می دانید با چه کسی می جنگید؟ او فرزند همان دلاور میدان و قهرمانان عرب است، از هر سو به وی هجوم آورید.

با این فرمان چهار هزار تیرانداز، از هر سو حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را محاصره کردند و بین آن بزرگوار و خيام حرم فاصله انداختند. در این هنگام عده ای برای وارد کردن ضربه ی روحی به آن بزرگوار، به سوی خيام حرم حمله ور شدند.

در این هنگام حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام با صدای بلند فریاد نمود: وَيَحْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سَفْيَانَ! إِنَّ لَكُمْ يَكْفُورًا دِينًا، وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أحرارًا فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَأَرْجِعُوا إِلَيَّ

أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ(1)؛ وای بر شما! ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی ترسید لا اقل در دنیای خود آزاده باشید، و اگر خود را عرب می دانید شرف انسانی خود را حفظ کنید.

در میان لشکر عمر سعد ملعون یکی صدا زد: چه می گویی؟ حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام فرمود: اَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ، وَ تُقَاتِلُونِي، وَ النَّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَأَمْنَعُوا عُنَاتِكُمْ وَ طُغَاتِكُمْ وَ جُهَالِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا(2)؛ من با شما جنگ دارم و شما با من، ولی زنان که گناهی ندارند، پس تا زمانی که زنده هستیم، سپاهیان طغیانگر و نادان، خود را از تعرض به حرم من باز دارید.

## بازخوانی مشهور جهانی آزادگی امام حسین

### 1. منطق امامت و رهبری

منطق حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام منطق ارشاد و نصیحت است، با آن که ده ها بار لشکریان عمر سعد را فردی و جمعی نصیحت کرده بود؛ باز در آخرین مراحل بر نصیحت آنان اصرار داشت تا شاید و لو در یک لحظه دست از خباثت بردارند و از بار گناه آنان کاسته شود و یا حداقل حجت بر آنان تمام گردد. بر این اساس آنان را با تشر مخاطب قرار داد و فرمود: وَيَحْكُمُ يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ.

### 2. وَيَحْكُمُ يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ

حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام بارها با لشکریان عمر سعد، از قرآن و سنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سخن

ص: 108

1- - مقتل الحسين (عليه السلام)، انوار الهدى، ج 2، ص 38

2- - همان

گفته بود اما هیچ یک از سخنان آن بزرگوار در ایشان اثر نکرد و از اصرار آنان بر جنگ، نکاست. گویی آنان نه از اسلام بهره ای، و نه از انسانیت بویی برده بودند، بر این اساس حضرت آنان را پیروان آل ابی سفیان خطاب کرد و فرمود: وَيَحْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ.

3. إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ

لشکریان عمر سعد، گرچه در ظاهر خود را مسلمان و معتقد به قیامت می دانستند اما چون رفتارشان با ادعایشان مطابقت نداشت؛ در واقع به دین و به قیامت اعتقاد نداشتند و مَثَلُ أَنَانَ مَثَلُ مُنَافِقَانِي است که قرآن کریم در اول سوره منافقون از آنان یاد می کند: إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَسَبْنَا لَكَ لِرَسُولِ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ(1)؛ چون منافقان نزد تو آیند، گویند: شهادت می دهیم که تو پیامبر خدا هستی. خدا می داند که تو پیامبرش هستی، اما شهادت می دهد که منافقان دروغگویند. بر این اساس حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ آنان را به اعتقاد نداشتن به دین و قیامت متصف نمود و فرمود: إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ؛ اگر دین ندارید و روز قیامت را قبول ندارید.

4. استدلال به جدال احسن

با آن که لشکریان عمر سعد به هیچ منطقی پایبند نبودند، اما حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بر مبانی مورد قبول طرف مقابل، که خود را عرب شرافتمند می پنداشتند؛ استدلال کرد و فرمود: وَازْجِعُوا إِلَىٰ أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ؛ اگر خود را عرب می دانید؛ شرف انسانی خود را حفظ کنید. وَفَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ؛ و در دنیای خود آزاده باشید. و سپس با جدال احسن لشکریان را به تمکین

ص: 109

نظر خود واداشت و فرمود: اَٰمَّا الَّذِيْ اَفَاتِكُمْ، وَ تَقَاتِلُوْنِيْ، وَ النَّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَاَمْنَعُوْا عُنْتَاكُمُ وَ طَغَاتِكُمْ وَ جُهَالِكُمْ عَنِ التَّعْرِضِ لِحَرَمِيْ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ من با شما جنگ دارم و شما با من، ولی زنان که گناهی ندارند، پس تا زمانی که زنده هستم، سپاهیان طغیانگر و نادان خود را از تعرض به حرم من باز دارید. و با این بیان دفع شر نمود و آنان را از حمله ی ناجوانمردانه به خیام حرم باز داشت.

#### 5. منشور جهانی آزادگی

حضرت اَبَا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ گرچه به ظاهر یک خطابه ی اختصاصی به لشکریان عمر سعد دارد اما در واقع آن بزرگوار از قتلگاه کربلا، یک پیام عمومی و یک منشور جهانی آزادگی برای همه ی جهانیان و در همه ی اعصار صادر کرده است حتی آنانی که پایبند به قوانین الهی و دستورات آسمانی نیستند.

#### 6. منطق ادیان الهی

ادیان الهی بویژه دین مبین اسلام هر نوع تجاوز به حقوق دیگران را در مقام جنگ و دفاع و حتی در آن جا که آغازگر جنگ، دشمن خونخوار باشد، محکوم کرده است. دین مبین اسلام تعرض به افراد دشمن که وارد جنگ نشده اند را منع کرده است، اسلام آزار و اذیت زنان و پیران، تعقیب فراری ها، فحش و ناسزا دادن، خراب کردن خانه ها، بریدن و آتش زدن درختان، آلوده کردن و بستن آب ها و... همه را ممنوع کرده است و در سوره بقره می فرماید: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يَقَاتِلُوْنَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ(1)؛

با کسانی که با شما جنگ می کنند، در راه خدا بجنگید و تعدی نکنید. زیرا خدا

ص: 110



تعدی کنندگان را دوست ندارد. فقط با دشمنی که با شما می جنگد مقابله کنید و متعرض افراد دیگر دشمن نشوید.

## 7. جهان متمدن و پیشرفته

منشور جهانی آزادگی حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام در جهان متمدن و پیشرفته ی امروز چه جایگاهی دارد؟ جهان متمدن و پیشرفته ی امروز چه اندازه به آن پایبندند؟ سیاست مداران دنیا چه مقدار با منشور جهانی آزادگی آشنا هستند؟ حقوق دانان چقدر روی منشور جهانی آزادگی اسلام مطالعه کرده اند؟ آیا غیر از این است که بشر امروز نسبت به این منشور دستش خالی است؟ آیا غیر از این است که قوانین بین المللی از حقایق این منشور ارزشمند تهی است؟ آیا غیر از این است که حاکمان مدعی جهان با این منشور انسانی بیگانه اند؟

## 8. مدعیان تمدن و پیشرفت

با یک نگاه به کشورهای گرفتار نظام سلطه به خوبی پاسخ این سؤال ها را می توان دریافت و به روشنی درنده خوبی و وحشی گری مدعیان تمدن و پیشرفت را می توان مشاهده کرد و به وضوح می توان دید. آنان با آن که بویی از حریت و آزادگی و بویی از شرافت انسانیت نبرده اند! چگونه با توحش و جاهلیت مدرن و با بردگی و بربریت پیشرفته؛ طبل پر سر و صدا و تو خالی حقوق بشر را جار می زنند در حالی که حقوق بشر در "منشور جهانی آزادگی" حضرت اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام نهفته است.

1. قرآن کریم
2. صبحی، صالح (1374)، نهج البلاغه، قم: البحوث الاسلاميه.
3. ابن طاووس، الحسنی (1417)، الملهوف علی قتلی الطفوف، محقق: الشیخ فارس تبریزیان، (بی جا): دارالاسوه.
4. روح الله، موسوی الخمينی (1389)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
5. ابومخنف، الأزدی (1398)، مقتل الحسين، قم: المطبعه العلميه.
6. موفق بن احمد، خوارزمی (1423)، مقتل الحسين، (بی جا): انوار الهدی.
7. مدرسه الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه و الشريف) (بی تا)، مثير الأحران، (بی جا): مدرسه الامام المهدي.
8. محمد باقر، مجلسی (1403)، بحار الانوار، (بی جا): موسسه الوفاء.
9. -----، محقق: محمد باقر بهبودی و سید ابراهیم میانجی، (بی جا): دار الاحیاء التراث.
10. محمد بن محمد، مفید (1413)، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
11. -----، الارشاد، مصحح: موسسه آل بیت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید.
12. رضی الدین، الطبرسی (بی تا)، مکارم الاخلاق، محقق: محمد حسین اعلمی، (بی جا): الأعلمی.
13. هبه الدین، حسینی شهرستانی (بی تا)، نهضه الحسين (علیه السلام)، (بی جا).
14. سید، ابن طاووس (بی تا)، اللهوف علی قتلی الطفوف، (بی جا): العالم.
15. محمد بن علی، بابویه قمی (1417)، الأمالی، قم: البعثة.
16. عبد الحمید، ابی الحدید (بی تا)، شرح نهج البلاغه، (بی جا): آیت الله مرعشی نجفی.
17. ابی القاسم، ابن قولویه القمی (بی تا)، کامل الزیارات، (بی جا): مکتبه الصدوق.
18. علی بن حسن، ابن عساکر (1414)، ترجمه ریحانه الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) الامام الحسين (علیه السلام) من تاریخ مدینه دمشق، (بی جا): مجمع احیاء الثقافه الاسلاميه.

19. مرتضیٰ، مطہری (1367)، انسان کامل، (بی جا).

ص: 112

20. ابوحنيفه، دينورى (1373)، الاخبار الطوال، قم: منشورات الشريف الرضى.
21. على بن حسين، مسعودى (1409)، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم: دارالهجره.
22. نجم الدين، النجفى (بى تا)، مع الركب الحسينى (ج2)، (بى جا).
23. عزالدين، ابن الاثير (1417)، الكامل فى التاريخ، بيروت: دارالكتاب العربى.
24. ذبيح الله، محلاتى (بى تا)، فرسان الهيحاء، (بى جا): الحيدريه.
25. ابن جرير، طبرى (1879)، تاريخ الامم و الملوك، بيروت: الاعلمى.
26. احمد، ابن اعثم (بى تا)، الفتوح، (بى جا).
27. سيد عبد الرزاق، موسى المقرّم (بى تا)، مقتل الحسين (عليه السلام)، (بى جا): البعثه.
28. جعفر، النقدي (بى تا)، زينب الكبرى، (بى جا): مكتبه المفيد.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

